



همه مقصریم
مسعود پزشکیان



هشدار مالی
مخالفت رابرت مالی با جنگ علیه ایران



خبر خوبی نیست
درباره افزایش قیمت جهانی طلا



۱۲۹۸۶

آمار وزارت بهداشت از تعداد مجروحان و انجام عمل‌های جراحی در روزهای اخیر

یادداشت روز

استراتژی فشار علیه ایران

معنای حضور نظامی آمریکا در منطقه چیست؟



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

حرکت ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن از دریای جنوبی چین به سمت منطقه عملیاتی فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام)، بار دیگر نگاه‌ها را متوجه راهبرد آمریکا در قبال ایران کرده است. این جابه‌جایی و تجمع نیرو در منطقه، پرسشی قدیمی را بار دیگر در این مقطع زمانی زنده کرده است: واشنگتن دقیقاً به دنبال چیست؟ آیا باید این تحرکات را مقدمه یک اقدام نظامی دانست یا اقدامی با هدف بازدارندگی یا بخشی از یک بازی پیچیده‌تر برای اعمال فشار مستمر؟ به نظر می‌رسد حداقل هدف دولت ترامپ از این تجمع نیرو، نه لزوماً جنگ، بلکه حفظ و افزایش فشار بر ایران و نگه داشتن ایران در وضعیت دائمی «تعطیل» باشد؛ یعنی ایجاد وضعیتی میان بیم و امید که در آن تهران همواره ناچار باشد، خود را برای بدترین سناریو در حال آمادهباش نگه دارد، بی‌آنکه بداند آیا عملهای در راه است یا خیر. همین آمادهباش دائمی، فارغ از وقوع یا عدم وقوع درگیری، هزینه‌های سنگینی به همراه دارد؛ از فشار روانی بر نیروهای نظامی و ساختار دفاعی گرفته تا فرسایش منابع، اختلال در برنامه‌ریزی‌ها و مهم‌تر از همه، تشدید فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر نظام سیاسی و جامعه. این نوع فشار مستمر و مزمن برای یک قدرت بزرگ طی زمانی طولانی، می‌تواند ابزاری کم‌هزینه‌تر و در عین حال مؤثرتر از جنگ مستقیم بوده و مکمل تحریم‌ها و فشارهای دیپلماتیک باشد. اما پرسش اصلی این است که آیا این فشار می‌تواند یا قرار است به اقدام نظامی نیز منتهی شود؟ در پاسخ باید گفت احتمال چنین اقدامی منتفی نیست اما وقوع آن قطعی نیز نیست؛ بلکه می‌توان آن را در حدود پنجاه-پنجاه دانست. چند هفته پیش، دولت آمریکا شاید می‌توانست با استناد به اعتراضات در ایران یا نحوه برخورد با معترضان تلاش کند، نوعی توجیه سیاسی و رسانه‌ای برای اقدام خود فراهم آورد؛ هرچند حتی آن زمان هم چنین توجیهی از منظر حقوق بین‌الملل اساسی نداشت. اکنون اما شرایط متفاوت است. خیابان‌ها آرام‌تر شده، موج اعتراضات فروکش کرده و حتی موضوع اعدام‌هایی که پیش‌تر از سوی واشنگتن برجسته می‌شد به گفته خود مقامات آمریکایی منتفی شده است. در چنین فضایی، دست دولت ترامپ برای اقناع افکار عمومی جهانی و مهم‌تر از آن افکار عمومی در آمریکا برای انجام یک اقدام نظامی چندان باز نیست. از سوی دیگر، ترامپ بارها و به‌صراحت اعلام کرده که به دنبال «ملت‌سازی» یا تغییر رژیم در کشورهای دیگر نیست و سیاست‌های رؤسای جمهور پیشین آمریکا در این زمینه را همواره به باد انتقاد گرفته است. تجربه عراق و افغانستان نیز نشان داده که تغییر رژیم، دست‌کم با حملات هوایی، ممکن نیست و مستلزم حضور گسترده نیروهای زمینی و اشغال نظامی است؛ سناریویی که نه نشانه‌ای از آمادگی آن دیده می‌شود و نه با روحیات و اولویت‌های ترامپ همخوانی دارد و نه پایگاه اجتماعی ترامپ اجازه آن را می‌دهد. به‌علاوه، امکان فروپاشی داخلی در کشور هدف در اثر چند حمله نقطه‌ای و محدود اولاً بسیار غیرمحتمل است ثانیاً سناریویی پرهزینه و خطرناک است که می‌تواند، کل منطقه را دچار بی‌ثباتی کند؛ وضعیتی که بیشتر به خواسته و منافع اسرائیل نزدیک است تا اینکه خواسته و در جهت منافع آمریکا باشد. افزون بر این، شواهد نشان می‌دهد که نه اسرائیل در مقطع کنونی مشتاق آغاز یک درگیری گسترده است و نه بسیاری از کشورهای عربی منطقه که برخی از آنها آشکارا ترامپ را به خویشتنداری تشویق کرده‌اند، موافق آن هستند. زیرا می‌دانند، آتش یک جنگ جدید ممکن است بیش از و پیش از همه دامن منطقه را بگیرد. این منطق و مجموعه عواملی است که احتمال اقدام نظامی مستقیم را کاهش می‌دهد. به‌علاوه، تحرکات نظامی اخیر آمریکا، ازجمله اعزام ناو لینکلن و استقرار محدود جنگنده‌ها و هواپیماهای سوخت‌رسان در اردن لزوماً نشانه تصمیم قطعی برای جنگ نیست. بخشی از این جابه‌جایی‌ها می‌تواند در چارچوب بازآرایی نیروها پس از تحولات مناطقی چون وژونلا یا دریای چین جنوبی تفسیر شود. با این همه، پیام سیاسی آن روشن است: واشنگتن می‌خواهد حداقل سایه تهدید را بر سر ایران حفظ کند و از این طریق بازدارندگی و فشار علیه ایران را افزایش دهد.

ادامه در صفحه ۳

آمریکا علیه آمریکا

باراک اوباما و بیل کلینتون، رؤسای جمهور پیشین ایالات متحده

با انتقاد از رفتار دولت ترامپ درباره اتفاقات داخلی این کشور از مردم آمریکا خواستند

تا در دفاع از آزادی بایستند و صدایشان را بلند کنند

سازندگی به این موضوع پرداخته است



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

کشته شدن الکس پرتی، مردی ۳۷ ساله، سفیدپوست و شهروند ایالات متحده به‌دست مأموران اداره اجرای قوانین مهاجرت و گمرک آمریکا در شهر مینیاپولیس به‌سرعت از یک حادثه محلی فراتر رفت و به جرقه‌ای برای موج تازه‌ای از اعتراض‌های سراسری در آمریکا تبدیل شد؛ اعتراض‌هایی که این بار نه تنها سیاست‌های مهاجرتی دولت فدرال بلکه ماهیت و حدود اختیارات نیروهای فدرال، پاسخگویی نهادهای امنیتی و آینده آزادی‌های مدنی در این کشور را به چالش کشیده است. تصاویر و ویدئوهایی که از لحظات منتهی به کشته شدن پرتی در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، فضای عمومی آمریکا را به‌شدت ملتهب کرده و شکافی عمیق میان روایت رسمی دولت و روایت شاهدان عینی و مقامات محلی به‌وجود آورده است.

ادامه در صفحه ۳



دولت

همه مقصریم

پزشکیان: اگر فکر کنیم عقل کل هستیم، سند مرگ خود را امضا کرده‌ایم



گروه سیاسی: رئیس‌جمهور در جمع خبرین مدرسه‌ساز با تاکید بر اینکه باید پی‌گیری‌ها در پیش‌آمد برخی کاستی‌های موجود همه مقصر هستیم و همه باید برای اصلاح آن تلاش کنیم، گفت: «اینکه فکر کنیم همه باید به هر چه من می‌گویم عمل کنند بدترین روش ممکن است؛ اینکه دامنه و حدود دانایی خود را شناسیم، بالاترین گواه جهالت ماست و به عنوان فردی دانشگاهی یا اطمینان می‌گویم که علم وسیع‌تر و عمیق‌تر از آن است که یک نفر همه آن را فراگیرد». پزشکیان همچنین با انتقاد از ضعف فرهنگ گفت‌وگو در جامعه تاکید کرد: «ما یاد نگرفتیم که با هم گفت‌وگو کنیم، یاد نگرفتیم که با هم نجنگیم». رئیس‌جمهور با هشدار نسبت به نگاه از بالا به پایین گفت: «این نمی‌شود که تصور کنیم هرچه می‌گویم درست است و همه باید اطاعت کنند» و در ادامه تاکید کرد: «اگر فکر کنیم عقل کل هستیم، همان‌جا سند مرگ خود را امضا کرده‌ایم».

مسعود پزشکیان روز گذشته در همایش ملی تکریم خیرین مدرسه‌ساز، با تاکید بر باور خود به مردم ایران گفت: «به شما و به مردم ایران باور دارم و معتقدم اگر در خدمت مردم باشیم، مردم در خدمت حاکمیت و ایران خواهند بود». او با اشاره به لزوم تغییر نگاه مسئولان نسبت به جامعه افزود: «باید عقده‌ها و گره‌های ذهنی خود از مردم را کنار بگذاریم و کاری کنیم که مردم با ما باشند». رئیس‌جمهور با اشاره به مسئولیت حاکمیت در تأمین زیرساخت‌های اساسی کشور گفت: «به‌عنوان یک ایرانی و مسئول، وقتی می‌شنوم که در جایی بچه‌های ما مدرسه یا خدمات درمانی مناسب ندارند، برابرم غیر قابل قبول است». پزشکیان تاکید کرد: «وقتی مسئول هستیم، بارمان سنگین‌تر است».

پزشکیان اعتماد به مردم را شرط اصلی عبور از مشکلات دانست و گفت: «اگر مردم را باور کنیم و به آنها اعتماد کنیم، هیچ مانعی نخواهیم داشت». وی ادامه داد: «دلیل اینکه امروز با مشکلاتی مواجه هستیم این است که ما با مردم یا مردم با ما مشکل دارند». رئیس‌جمهور تاکید کرد: «اگر مردم باور کنند که برای خدمت به آنها آمده‌ایم، در تمام صحنه‌ها خواهند آمد و مشکلات را حل خواهند کرد». رئیس‌جمهور با انتقاد از ضعف فرهنگ گفت‌وگو در جامعه افزود: «اگر درست آموزش می‌دادیم، با بسیاری از مشکلات امروز مواجه نبودیم. ما یاد نگرفتیم که با هم گفت‌وگو کنیم، یاد نگرفتیم که با هم نجنگیم». او با تاکید بر مسئولیت‌پذیری در همه سطوح گفت: «هر کس در هر جایی که هست، اگر کار خودش را درست انجام ندهد، نباید انتظار داشته باشد در جایی دیگر خدمت درستی دریافت کند». رئیس‌جمهور پاسخگویی مناسب به ارباب‌رجوع را «وظیفه همگانی» دانست و تصریح کرد: «باید یاد بگیریم که خدمت‌گزار مردم باشیم تا آنها نیز در خدمت ما باشند».

پزشکیان با تاکید بر لزوم تحول در مدارس گفت: «مدارس ما باید از لحاظ انتقال علم، رفتار و مهارت تغییر کنند». پزشکیان با بیان اینکه مصمم هستیم که آموزش و پرورش کشور را روز به روز و در همه زمینه‌ها ارتقا بخشیم، خاطرنشان کرد: «از همه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کشور می‌خواهم که خود را متعهد کنند هر روز نسبت به قبل یک قدم به جلو بردارند. اگر همه ما دست به دست هم دهیم، هیچ مانعی نمی‌تواند ما را متوقف کند و یقین دارم که با قدرت و قوت می‌توانیم کشور را بهتر از همیشه بسازیم». وی افزود: «باید انسانیت، کار گروهی، روش‌های حل مسئله، پایبندی به کشور و فداکاری برای وطن را به دانش‌آموزان پیاموزیم». رئیس‌جمهور همچنین با انتقاد از نگاه از بالا به پایین نسبت به مردم اظهار کرد: «این نمی‌شود که تصور کنیم هر چه می‌گویم درست است و همه باید اطاعت کنند». وی هشدار داد: «اگر فکر کنیم عقل کل هستیم، همان‌جا سند مرگ خود را امضا کرده‌ایم». پزشکیان در پایان با تاکید بر نقش کلیدی آموزش و پرورش گفت: «ریشه تمام گرفتاری‌های ما و همچنین درمان آن در آموزش و پرورش است»، و افزود: «اگر آموزش و پرورش درست عمل کند، مشکلات ما حل خواهد شد».

دنبال جنگ داخلی هستند

دبیر شورای عالی امنیت ملی: دشمنان، اغتشاشات اخیر را در چهار مرحله طراحی کرده بودند

و این همان ساختار است». دبیر شورای عالی امنیت ملی سپس با بیان اینکه «دشمن نماد هویت ملی را هدف قرار داد» توضیح داد: «دشمن به دنبال این بود که نماد هویت ایران را که همان پرچم ایران، مجسمه حاج قاسم، هویت دینی (مساجد و قرآن) است، هدف قرار بدهد و از مردم بگیرد». لاریجانی با طرح یک پرسش انتقادی بر تفاوت اعتراض اقتصادی و اغتشاش سازمان‌یافته تاکید کرد و گفت: «مگر نمی‌گفتند که مشکلات اقتصادی است؛ پس چرا باید فروشگاه‌ها را غارت کرد و آتش زد؟ پس مسئله صرفاً اقتصاد نیست!» او در ادامه پرسید: «آیا یک بحران امنیتی این مشکلات اقتصادی را عمیق‌تر می‌کند یا سبک‌تر؟»

دشمن به دنبال جنگ داخلی است

او با تاکید بر هوشیاری جامعه ایرانی اظهار کرد: «ملت هوشیار هستند؛ اما هدف دشمن این است که جامعه را از انسجام ببندازند و دو گروه جامعه را به جان هم بیندازند». لاریجانی افزود: «دشمنان ملت ایران را نمی‌شناسند و تصور می‌کنند که تنش‌های تروریستی شهری را به‌وجود می‌آورند و بعد می‌توانند عملیات نظامی کنند!»

دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به تجربه‌های تاریخی ملت ایران گفت: «ملت ایران نشان داده است که وقتی کیان ملت‌اش مورد تعرض قرار می‌گیرد تا پای جان می‌ایستند و به‌سادگی نمی‌شود ملت ایران را جلوی حق قرار داد». او نمونه این ایستادگی را چنین بیان کرد: «چنانچه در حماسه ۲۲ دی‌ماه این مسئله دیده شد».

لاریجانی در ادامه به اقدامات نیروهای امنیتی اشاره کرد و گفت: «سرخط‌های اغتشاش‌گران را نیروهای امنیتی شناسایی و برخی را هم دستگیر کردند که البته برخی از اینها فریب خورده بودند». او در عین حال هشدار داد: «اما ما موارد زیادی داشتیم که سلاح‌هایی مانند ژ ۳ و کلت وارد میدان کردند؛ اینها افرادی نیستند که از خانه برای سر دادن شعار بیرون آمده باشند و اینها ساماندهی شده، هستند».

وی در بخش پایانی سخنانش، هدف نهایی این تحرکات را چنین توصیف کرد: «وقتی این افراد سریع به سمت مراکز نظامی و انتظامی می‌روند تا سلاح به‌دست بیاورند، یعنی دنبال جنگ داخلی هستند». لاریجانی در پایان هشدار داد: «این رفتارها وضع اقتصادی موجود را هم دچار فراز و فرودهای شدیدی می‌کند؛ اینکه کشور را در حال اضطراب نشان بدهی همان جنگی است که دشمنان به دنبال آن هستند».



ایجاد شود، ما عملیات نظامی می‌کنیم». لاریجانی با استناد به مواضع علنی مقامات آمریکایی افزود: «تاکتیک آمریکا این بار جابه‌جا شد، این بار آمدند همبستگی مردم را بشکنند و بعد حمله نظامی را انجام دهند» و تاکید کرد: «دشمنان ما عامل اصلی را که نقطه قوت در جنگ ۱۲ روزه بود، هدف گرفته‌اند».

سناریوی چهار مرحله‌ای اغتشاشات

دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به شرایط اقتصادی کشور ضمن پذیرش وجود مشکلات، نسبت به سوءاستفاده دشمن از این بستر هشدار داد و گفت: «بی‌شک مشکلات اقتصادی وجود دارد و دولت و بخش‌های مختلف باید رسیدگی کنند اما باید توجه داشت که دشمن از این بستر به دنبال اهداف خودش است». او در ادامه، طراحی دشمن برای ایجاد ناامنی را تشریح کرد و افزود: «دشمنان اغتشاشات اخیر را در چهار مرحله تجمع مردمی، ترور، اغتشاش و در نهایت حمله نظامی خلاصه کرده بودند که با توجه به اتحاد مردم همانند جنگ ۱۲ روزه شکست خوردند».

لاریجانی در بخش دیگری از سخنانش، ماهیت اغتشاش‌گران سازمان‌یافته را چنین توصیف کرد: «اغتشاش‌گران یک گروه شبه تروریستی شهری هستند». او با یادآوری تهدیدات پیشین صهیونیست‌ها افزود: «۳ تا ۴ ماه پیش هم صهیونیست‌ها گفتند ما از ساختارهایی که در ایران ایجاد کردیم برای یک ماجرای جدید در ایران استفاده می‌کنیم

گروه سیاسی: درحالی که کشور هنوز فضای پرتنش «جنگ ۱۲ روزه» و تبعات آن را پشت سر نگذاشته، دبیر شورای عالی امنیت ملی روز گذشته از ابعاد آنچه «طراحی دشمن برای ایجاد بحران اجتماعی و امنیتی» می‌خواند، گفت و با تشریح «تغییر تاکتیک دشمن» تاکید کرد که حوادث اخیر نه صرفاً واکنشی به مشکلات اقتصادی بلکه بخشی از یک سناریوی هدفمند برای بی‌ثبات‌سازی داخلی و ضربه زدن به انسجام اجتماعی کشور بوده است. به گفته علی لاریجانی، دشمنان جمهوری اسلامی پس از ناکامی در کشاندن مردم به خیابان‌ها هم‌زمان با آغاز عملیات نظامی، تلاش کردند از بستر نارضایتی‌های اقتصادی و مطالبات مدنی سوءاستفاده کرده و اعتراضات مسالمت‌آمیز را به اغتشاشات خیابانی و اقدامات خشونت‌آمیز تبدیل کنند. او با اشاره به اعترافات صریح مقامات آمریکایی، به‌ویژه دونالد ترامپ، این تغییر تاکتیک را نشانه‌ای از تمرکز جدید دشمن بر «شکستن همبستگی اجتماعی» دانست. دبیر

شورای عالی امنیت ملی، هدف قرار دادن نمادهای هویت ملی و دینی، از پرچم ایران گرفته تا مساجد و یادمان‌های شهدا را بخش دیگری از این سناریو توصیف و این پرسش را مطرح کرد که اگر مسئله صرفاً اقتصاد است، چرا غارت، آتش زدن و حمله به مراکز عمومی در دستورکار قرار می‌گیرد؟ به باور او پاسخ این پرسش در ماهیت امنیتی و سازمان‌یافته اغتشاشات نهفته است. لاریجانی همچنین از شناسایی «سرخط‌های اغتشاش‌گران» توسط نیروهای امنیتی خبر داد؛ افرادی که برخی از آنها فریب خورده بودند اما برخی دیگر با سلاح‌های جنگی و با هدف درگیری مسلحانه وارد میدان شدند.

تغییر تاکتیک دشمن

علی لاریجانی، نماینده رهبر انقلاب و دبیر شورای عالی امنیت ملی، در پانزدهمین همایش سراسری مدیران و هادیان سیاسی نیروهای مسلح، با نگاهی تحلیلی به تحولات اخیر، روایتی از آنچه پشت صحنه اغتشاشات اخیر خواند، ارائه داد. او سخنان خود را با مرور تجربه جنگ ۱۲ روزه آغاز کرد و گفت: «در جنگ ۱۲ روزه، بعد از اینکه عملیات نظامی را شروع کردند، گفتند حالا ملت بیرون بریزید، نقشه آنها این بود که مردم ما را به خیابان بکشانند اما موفق نشدند».

لاریجانی با تاکید بر ناکامی این پروژه افزود: «از همان روز تمام تلاش‌شان را کردند تا این اتفاق به هر نحوی شکل بگیرد». به گفته دبیر شورای عالی امنیت ملی، دشمن پس از

پارلمان

خلأ قانونی محسوس

روایت عضو هیأت‌رئیس مجلس درباره نقش این نهاد در پیشگیری از تبدیل نارضایتی‌ها به بحران

مردم، تهییج افکار عمومی و تشویق به خشونت، اعتراضات مدنی را به درگیری خیابانی تبدیل کردند. جوانان و نوجوانان نیز از این فضا سوءاستفاده شدند و گروهک‌های تروریستی فعال شدند. فضایی که می‌توانست مدنی باشد، امنیتی شد». او، نبود قانون مشخص درباره اعتراضات اجتماعی را یکی از بزرگ‌ترین خلأها دانست و توضیح داد: «نه مردم، نه صوف و حتی نیروهای انتظامی نمی‌دانند، اعتراض‌شان قانونی است یا غیرقانونی و چگونه باید عمل کنند. متأسفانه رویکرد مجلس تاکنون بیشتر واکنشی بوده و براساس دستورالعمل‌های پلیسی و امنیتی بدون پشتوانه قانونی عمل کرده است. در گذشته، به‌جای قانون‌گذاری پیشگیرانه، قوانین سخت‌گیرانه پس از اعتراضات تصویب شده که خلأ قانونی را پر نکرده و روند امنیتی‌سازی جامعه را تشدید کرده است».

نادری معتقد است: «اگر مجلس فعال و پیشگیرانه عمل می‌کرد شاید اعتراضات مدنی به اغتشاش تبدیل نمی‌شد. در ناآرامی‌های اخیر، مطالبات اقتصادی مانند تورم، بیکاری و کاهش قدرت خرید، جای خود را به نیاز فوری مردم به امنیت داد. وقتی خشونت و هرج‌ومرج رخ می‌دهد، مهم‌ترین خواسته شهروندان حفظ جان، مال و آرامش است». او با اشاره به راهیمیایی ۲۲ دی ماه گفت: «این حضور گسترده نشان داد، امنیت ملی در صدر ارزش‌ها و مطالبات اجتماعی ایرانیان است و مردم آشوب داخلی را هم‌راستا با تهدیدات خارجی

مردم، بدون امنیت، هیچ‌یک از حقوق دیگر مانند حق اعتراض مسالمت‌آمیز، رفاه یا پیشرفت معنایی ندارد». نادری در ادامه به نقش نیروهای انتظامی و مسلح اشاره کرد: «برای حفظ امنیت به پلیس مقتدر نیاز داریم. وضعیت معیشتی و مسکن نیروهای مسلح و انتظامی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد زیرا آنها در خط مقدم حفظ امنیت کشور هستند و با مشکلات جدی اقتصادی مواجهند». وی افزود: «اقتدار پلیس مستلزم توانایی مسلح بودن و به‌کارگیری سلاح است تا بتواند از مردم دفاع کند. این موضوع دارای ابعاد حقوقی، نظامی و حتی فقهی است و قانون‌گذاری دقیق و حمایت مجلس را می‌طلبد».

او همچنین به تجربه اعتراضات اخیر اشاره کرد و گفت: «تعدادی از نیروهای انتظامی آسیب دیدند. پلیس باید بتواند برای دفاع از مردم مسلح باشد اما استفاده از سلاح باید تحت چارچوب قانونی و با رعایت شرایط دقیق انجام شود». نادری تاکید کرد: «مجلس آماده است با ارتقای اقتدار پلیس و رفع موانع قانونی، خلأها را برطرف و امنیت جامعه را تقویت کند». نادری در پایان تاکید کرد: «یک رویکرد پیشگیرانه و قانونمند می‌تواند چرخه معیوب اعتراض، برخورد نامشخص، خشونت و امنیتی‌سازی را بشکند. اگر مجلس از ابتدا قوانین شفاف برای مدیریت اعتراضات تصویب کرده بود، جامعه امروز کمتر با آشوب و درگیری مواجه بود و امنیت، رفاه و حقوق شهروندان هم بهتر حفظ می‌شد».

هشدار مالی

مخالفت دیپلمات دموکرات با جنگ ترامپ علیه ایران

گروه بین الملل: رابرت مالی، دیپلمات پیشین آمریکا، استاد روابط بین الملل دانشگاه ییل و از چهره‌های کلیدی سیاستگذاری واشنگتن در قبال ایران در دولت‌های باراک اوباما و جو بایدن در یادداشتی انتقادی برای روزنامه لوموند، سیاست‌های ایالات متحده درباره ایران را به چالش می‌کشد و هشدار می‌دهد که هرگونه اقدام نظامی دولت دونالد ترامپ علیه ایران، فارغ از نتیجه‌اش، به سود مردم ایران نخواهد بود.

مالی در ابتدای یادداشت با صراحت اذعان می‌کند که نه در دوره اوباما و نه در دوره بایدن، حقوق بشری یا گذار سیاسی در ایران در اولویت سیاست آمریکا قرار نداشت. به گفته او، اوباما که تحت‌تأثیر تجربه پرهزینه و فاجعه‌بار حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بود، تلاش کرد از درگیر شدن در یک باتلاق نظامی جدید پرهیز کند و تمرکز اصلی خود را بر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای گذاشت. اوباما و تیمش تردید داشتند که ایالات متحده بتواند، تحولات داخلی ایران را به شکلی مؤثر و مثبت تحت‌تأثیر قرار دهد و نگران بودند که حتی حمایت لفظی از معترضان در نهایت به سود نظام حاکم تمام شود و اپوزیسیون را تضعیف کند. این رویکرد سبب شد که در جریان اعتراضات سال ۱۳۸۸ واکنش اوباما بسیار محتاطانه و کم‌رنگ باشد. مالی سپس به دوره ریاست‌جمهوری جو بایدن می‌پردازد و توضیح می‌دهد که

ادامه تیتربک

آمریکا علیه آمریکا

براساس ویدئوهای منتشرشده، الکس پرتی در جریان تجمعی اعتراضی در مینی‌پولیس، زمانی وارد صحنه می‌شود که مأموران اداره مهاجرت زن‌ی را به زمین انداخته‌اند. او ظاهراً بسرای کمک به این زن پیش می‌رود اما در ادامه ۶ مأمور فدرال به‌طور همزمان به سمت او هجوم می‌برند. در تصاویر دیده می‌شود که پرتی روی زمین افتاده و در شرایطی آشفته و پر تنش قرار دارد. لحظاتی بعد صدای شلیک گلوله شنیده می‌شود و او هدف تیراندازی قرار می‌گیرد. همین تصاویر، که به‌گفته بسیاری از ناظران هیچ نشانه‌ای از تهدید فوری علیه جان مأموران را نشان نمی‌دهد به یکی از محوری‌ترین اسناد منتقدان دولت تبدیل شده است.

مقامات فدرال اما روایت متفاوتی ارائه می‌دهند. به گفته آنها، مأموران در شرایطی عمل کرده‌اند که احساس خطر جانی داشته‌اند و تیراندازی در چارچوب «دفاع از خود» صورت گرفته است. این روایت با واکنش تند مقامات ایالتی مواجه شده است. تیم والز، فرماندار مینه‌سوتا، به‌صراحت روایت دولت فدرال را «مزخرف و دروغ» توصیف کرده و گفته است، شواهد ویدئویی و شهادت شاهدان عینی با ادعاهای رسمی همخوانی ندارد. شاهدان حاضر در محل نیز تأکید کرده‌اند که الکس پرتی هیچ سلاحی در دست نداشته و رفتارش بیشتر حالت میانجی‌گرانه داشته تا تهاجمی. افزون بر

این، شلیک چند گلوله به فردی که روی زمین افتاده به یکی از محورهای اصلی انتقاده‌ها تبدیل شده و پرسش‌های جدی‌ای درباره میزان استفاده از قوه قهریه مطرح کرده است.

این حادثه در خلأ رخ نداده است. کمتر از سه هفته پیش، رنه نیکول گود، زن ۳۷ ساله سفیدپوست و شهروند آمریکا نیز در جریان عملیات مشابهی توسط مأموران همین نهاد در مینی‌پولیس با شلیک گلوله کشته شد. مرگ او موجی از اعتراض‌ها را در این شهر به راه انداخت و الکس پرتی نیز ازجمله معترضان به کشته شدن گود بود. اکنون، کشته شدن پرتی نه‌تنها خشم عمومی را دوچندان کرده بلکه این احساس را در میان بسیاری از شهروندان ایجاد کرده که دامنه خشونت نیروهای فدرال دیگر صرفاً مهاجران غیرقانونی را هدف نمی‌گیرد و شهروندان آمریکایی نیز در معرض خطر قرار گرفته‌اند.

واکنش‌های سیاسی به این رویداد بسیار گسترده بوده است. گوین نیوسام، فرماندار کالیفرنیا و از چهره‌های برجسته حزب دموکرات،

ادامه یادداشت روز

استراتژی فشار علیه ایران

با این حال، نباید نقش شخصیت و روانشناسی و محاسبات خاص ترامپ را نادیده گرفت. او سیاستمداری است که بارها نشان داده به اعتبار شخصی، تصویر قدرت و وفاداری به وعده‌های لفظی خود اهمیت زیادی می‌دهد. اظهاراتی مانند

اگرچه بایدن در ظاهر نگاه متفاوتی داشت و با وعده احیای توافق هسته‌ای وارد کاخ سفید شد اما در عمل، نتیجه چندان تفاوتی با دوره اوباما نداشت. بایدن نه عزم و سماجت اوباما را برای پیشبرد دیپلماسی پرهزینه داشت و نه باور داشت که آینده سیاسی ایران در واشنگتن تعیین می‌شود. در نتیجه، سیاست او به‌نوعی «بی‌سیاستی» بدل شد؛ وضعیتی که نه به توافق دیپلماتیک انجامید و نه به بحران آشکار بلکه در میانه‌ای مبهم متوقف ماند. به نوشته مالی، واکنش دولت بایدن به اعتراضات ۱۴۰۱ در ایران نسبت به دوره اوباما تددتر بود. آمریکا مذاکرات را متوقف کرد، تلاش کرد متحدانش را برای محکوم کردن جمهوری اسلامی بسیج کند و مواضع سخت‌تری در پیش گرفت. با این حال مالی صادقانه تأکید می‌کند که این اقدامات بیشتر برای آن بود که واشنگتن به بی‌عملی متهم نشود نه اینکه راهبردی منسجم برای حمایت مؤثر از مردم ایران داشته باشد. در چنین فضایی، به گفته مالی، طبیعی است که بخشی از ایرانیان که احساس رهاشدگی می‌کنند به دونالد ترامپ به‌عنوان یک «نجات‌دهنده» متفاوت امید ببندند. با این حال، بسیاری از فعالان ایرانی هشدار داده‌اند که حمله نظامی نه‌تنها به تغییر منجر نمی‌شود بلکه می‌تواند به بقای نظام، تشدید خشونت و خطرناک‌تر شدن شرایط بینجامد. از نگاه این فعالان، تنها تلاش‌های تدریجی و درون‌زا برای تغییر

خواستار کناره‌گیری وزیر امنیت داخلی آمریکا شده و این وزارتخانه را مسئول مستقیم قضایی دانسته است که به چنین حوادثی منجر می‌شود. نیوسام در اظهارات خود تأکید کرده که فقدان شفافیت، پاسخگویی و نظارت مؤثر بر عملکرد نیروهای فدرال به تضعیف اعتماد عمومی و تشدید تنش‌های اجتماعی انجامیده است.

در سطح ملی، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، از پاسخ صریح به این پرسشش که آیا مأمور فدرالی که به الکس پرتی شلیک کرده، اقدام درستی انجام داده یا نه، خودداری کرده است. او در گفت‌وگوی تلفنی با روزنامه وال‌استریت ژورنال، درحالی که دو بار با این سوال مواجه شد، تنها به این جمله بسننده کرد که دولت درحال بررسی کامل حادثه است و نتایج آن را اعلام خواهد کرد. این موضع‌گیری مبهم درحالی صورت



گرفت که برخی مقامات دولت به‌طور علنی از مأمور تیرانداز دفاع کرده‌اند و این دوگانگی در مواضع رسمی بر ابهام‌ها افزوده است.

ترامپ در ادامه، الکس پرتی را به‌دلیل آنچه «حمل اسلحه در جریان تجمع اعتراضی» خواند مورد انتقاد قرار داد و گفت که حضور افراد مسلح در اعتراض‌ها قابل‌قبول نیست. او تأکید کرد که تیراندازی را دوست ندارد اما از نظرش ورود افراد با سلاح‌های قدرتمند و خشاب‌های پر به تجمعات اعتراضی نیز به همان اندازه نگران‌کننده است. این اظهارات درحالی مطرح شده که شاهدان عینی و ویدئوهای منتشرشده، وجود سلاح در دست پرتی را تأیید نمی‌کنند و همین تضاد به تشدید بی‌اعتمادی نسبت به روایت رئیس‌جمهور انجامیده است.

چهره‌های برجسته سیاسی آمریکا نیز به این حادثه واکنش نشان داده‌اند. باراک اوباما، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، در پیامی مکتوب، قتل الکس پرتی را «تراژدی دلخراش» توصیف کرده و آن را زنگ خطری برای همه آمریکایی‌ها، فارغ از گرایش حزبی، دانسته است. او نوشته است که

دعوت از «مردم ایران برای ادامه اعتراض» و اینکه «کمک در راه است»، اگر بدون هیچ اقدام عملی رها شود، ممکن است از نگاه او به‌معنای عقب‌نشینی یا خدشه به اعتبارش تلقی شود. همین عامل می‌تواند انگیزه‌ای برای یک اقدام نقطه‌ای، محدود و نمادین ایجاد کند.

در مجموع، به‌نظر می‌رسد هدف اصلی، نه آغاز فوری جنگ، بلکه تداوم فشار، بی‌ثباتی و فرسایش تدریجی علیه

می‌تواند، آینده‌ای متفاوت رقم بزند. مالی به صداهایی اشاره می‌کند که در جریان ناآرامی‌های اخیر خواستار مداخله نظامی آمریکا شدند. برخی از این افراد معتقدند که جمهوری اسلامی به دلیل بحران‌های اقتصادی، فساد، سوءمدیریت و تضعیف مشروعیت، آنقدر ضعیف شده که حمله خارجی می‌تواند به سقوطش بینجامد. برخی دیگر شاید از شدت ناامیدی یا حتی میل به انتقام، چنین گزینه‌ای را می‌پذیرند. اما مالی هشدار می‌دهد که در میان بازیگران بین‌المللی، افراد کمی واقعاً نگران آینده و رفاه شهروندان ایرانی هستند. او تأکید می‌کند که نه نظام حاکم در ایران، که بقای خود را در اولویت مطلق قرار داده و نه دونالد ترامپ، که پس از تشویق ایرانیان به شورش، هیچ برنامه‌ای برای حفاظت از آنان نداشت، دغدغه واقعی مردم ایران را ندارند. مالی همچنین از دولت اسرائیل، انتقاد می‌کند که حمایت آشکارش از برخی جریان‌های اپوزیسیون

بسیاری از ارزش‌های بنیادین آمریکا به‌طور فزآینده‌ای مورد حمله قرار می‌گیرند و به‌نظر می‌رسد رئیس‌جمهور مقامات فعلی به‌جای آرام‌سازی فضا، تمایل به تشدید اوضاع دارند. اوباما همچنین توضیحات رسمی درباره تیراندازی به پرتی و رنه گود را فاقد هرگونه تحقیق جدی دانسته و گفته این توضیحات به‌طور مستقیم با شواهد ویدئویی در تضاد است. بیل کلینتون، دیگر رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، در بیانیه‌ای تند، رفتار دولت کنونی را به‌شدت مورد انتقاد قرار داده است. او گفته است که معترضان صلح‌طلب بازداشت شده‌اند، مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته‌اند و با گاز اشک‌آور هدف قرار گرفته‌اند و درناک‌تر از همه، دو شهروند آمریکایی، رنه گود و الکس پرتی، با شلیک گلوله کشته شده‌اند. کلینتون این وضعیت را «غیرقابل قبول» خوانده و از مردم آمریکا خواسته است که در دفاع از آزادی‌های خود بایستند و صدای‌شان را بلند کنند. او هشدار داده است که اگر پس از ۲۵۰ سال، آزادی‌ها به‌تدریج واگذار شود، ممکن است هرگز امکان بازیس‌گیری آنها وجود نداشته باشد.

در این میان، رسانه‌های جریان اصلی نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی ایفا کرده‌اند. روزنامه واشنگتن‌پست، در تحلیلی، قتل الکس پرتی، پرستار ۳۷ ساله، را نقطه عطفی در دور دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ دانسته است. به‌نوشته این روزنامه، کارزار گسترده دولت برای استرداد مهاجران، نه‌تنها به یک شکست سیاسی انجامیده بلکه از نظر اخلاقی نیز پیامدهای سنگینی داشته و باعث شده شهروندان آمریکایی احساس خشم، ناامنی و بی‌پناهی کنند. واشنگتن‌پست در عین حال هشدار داده که اصرار جناح چپ بر انحلال کامل اداره اجرای قوانین مهاجرت و گمرک، می‌تواند به سود ترامپ تمام شود؛ مسیری که دموکرات‌ها پیش‌تر نیز در دور اول ریاست‌جمهوری او پیموده‌اند و نتیجه‌ای معکوس گرفته‌اند. از نگاه این روزنامه، راحل نه در انحلال بلکه در الزام این نهاد به رعایت قانون، نظارت مؤثر و پاسخگویی شفاف نهفته است. مجموع این تحولات، نشان می‌دهد که کشته شدن الکس پرتی تنها یک حادثه تراژیک نیست بلکه به نمادی از بحرانی عمیق‌تر در ساختار سیاسی و امنیتی آمریکا تبدیل شده است؛ بحرانی که در آن، مرز میان امنیت و آزادی، میان اجرای قانون و سوءاستفاده از قدرت، بیش از هر زمان دیگری محل مناقشه قرار گرفته است. اعتراض‌های گسترده، واکنش‌های تند سیاسی و شکاف عمیق در روایت‌ها، همگی گواه آن است که جامعه آمریکا در آستانه مرحله‌ای تازه از تنش و بازاندیشی درباره ارزش‌ها و اولویت‌های خود قرار دارد؛ مرحله‌ای که پیامدهای آن، فراتر از مینی‌پولیس، می‌تواند سراسر این کشور را تحت‌تأثیر قرار دهد.

ایران باشد؛ فشاری که ترامپ امیدوار است از طریق آن شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در ایران را دشوارتر کند و تهران را در موقعیتی تدافعی و پرهزینه نگه دارد. در چنین فضایی، خطر واقعی شاید نه در حمله‌ای ناگهانی، بلکه در طولانی شدن همین وضعیت تعلیق و فشار دائمی اقتصادی-اجتماعی نهفته باشد؛ وضعیتی که می‌تواند بی‌آنکه شلیک گلوله‌ای رخ دهد، آثار عمیق و ماندگاری بر کشور بر جای بگذارد.



ایران، بیش از آنکه از همدلی با مردم ایران ناشی شود، در راستای تضعیف و بی‌ثبات‌سازی این کشور است. در تحلیل نهایی، مالی بن‌بست کنونی ایران را حاصل تعامل دو منطق خطرناک می‌داند: از یک‌سو، نظامی که به هر قیمت در پی بقاست و احساس محاصره و تهدید را در هسته ایدئولوژیک خود دارد؛ و از سوی دیگر، آمریکا و متحدانش که ایران را صرفاً به‌عنوان یک تهدید ژئوپلیتیک می‌بینند و آن را شیطان‌سازی می‌کنند. این «هم‌آغوشی مرگبار» به تقویت تحریم‌ها، تضعیف جامعه مدنی و تشدید رویکرد امنیتی منجر شده و هرگونه چشم‌انداز تغییر را تیره‌تر کرده است.

مالی در پایان هشدار می‌دهد که مداخله نظامی آمریکا تنها این چرخه مسموم را تقویت خواهد کرد. حتی اگر ترامپ در نهایت حمله‌ای را آغاز کند و آن را پیروزی بنامد، نتیجه هرچه باشد، تقریباً به‌طور قطع پیروزی مردم ایران نخواهد بود.

دیپلماسی

تکذیب یک ادعا

تضمین کتبی دروغ‌پردازی بود

سخنگوی وزارت امور خارجه درباره ادعای برخی مقامات اسرائیل درباره نقش استیو ویتکاف در جلوگیری از حمله نظامی ایالات متحده علیه ایران و اینکه وی یک پیام از وزیر امور خارجه و تضمین کتبی از رئیس‌جمهور ایران به رئیس‌جمهور آمریکا داده است، گفت: از برخی رسانه‌ها گلایه دارم که بدون هیچ تأملی برخی از گزارش‌ها و گزاره‌هایی که رسانه‌های اسرائیل با هدف جنگ روانی اعلام کرده‌اند، منتشر و درباره آن بحث و بررسی می‌کنند. وقتی که طرف آمریکایی به‌عنوان دوست صمیمی اسرائیل اذعان دارد که گزارش‌های تولید شده توسط اسرائیل را باید با احتیاط شدید نگاه کنیم، چگونه رسانه‌های ما این گزارش‌ها را ترویج می‌کنند؟ این ادعا مطلقاً صحت ندارد و در ادامه دروغ‌پردازی‌های اسرائیل درباره ایران انجام می‌دهند.

بقایای ادامه داد: در این گزارش نکته‌هایی است و آن دشمنی اسرائیل با هرگونه تعامل و دیپلماسی است و یکی از منابع تولید اطلاعات جعلی و فیک‌نیوز همین رژیم است. اینکه در ۲۵ دی ماه خبری منتشر می‌شود که ایران قرار است بیش از ۸۰۰ نفر را اعدام کند، دروغ بزرگی است اما براساس همان جمله هیتلر است که دروغ هرچه بزرگ‌تر احتمال باوراندن آن به مخاطب بیشتر است. این دروغ‌ها منابعی دارد که آن منابع آگاهانه و نظاممند درصد تزیق گزارش‌های دروغ به تصمیم‌گیران سطح بالا در آمریکاست که هم خیانت‌آمیز و هم خطرناک است چون می‌تواند به اشتباه محاسبات پرتبعات منجر شود. سخنگوی وزارت خارجه همچنین در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه ما در شرایط جنگی هستیم و آمریکا نیروهای خود را به منطقه گسیل کرده است و آیا در این شرایط مذاکرات رسمی و غیررسمی از سوی وزارت خارجه برای جلوگیری از حمله انجام شده است، گفت: مواردی که در سوال شما هست با یکدیگر تناقض دارد؛ از یک طرف می‌گویید که طرف مقابل آرایش جنگی گرفته است و از طرف دیگر می‌گویید که برای جلوگیری از جنگ وارد مذاکره می‌شوید؟ باید به این موضوع توجه داشت که با طرفی می‌توان وارد مذاکره شد که به‌دنبال جنگ نباشد.





سال هشتم شماره ۲۱۷۱
سه‌شنبه ۷ بهمن ۱۴۰۴

کافه

تازه‌های ادب و هنر

گزارش تجسمی

احیای کاریکاتور ایران

دوسالانه کاریکاتور تهران برگزیدگانش را شناخت



دوازدهمین دوسالانه بین‌المللی کاریکاتور تهران پس از هشت سال وقفه، با تأکید سخنرانان بر بازگشت کاریکاتور ایران به عرصهٔ گفت‌وگوی جهانی، نقش ماندگار هنر در بیان واقعیت‌های اجتماعی و ضرورت تحرک بیشتر در دیپلماسی فرهنگی، به کار خود پایان داد؛ رویدادی که با حضور هنرمندانی از ۷۰ کشور جهان، بار دیگر اعتبار بین‌المللی این برند هنری را برجسته کرد.

به گزارش ایسنا، مراسم اختتامیه و اهدای جوایز دوازدهمین دوسالانه بین‌المللی کاریکاتور تهران یک‌شنبه ۵ بهمن با بیش از یک ساعت تأخیر در کوشک باغ هنر با حضور سیدعباس صالحی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، علیرضا زاکانی (شهردار تهران)، مهدی شیعی (معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، محمداقبر اعلمی (ریس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران)، آیدین مهدی‌زاده (ریس شورای سیاست‌گذاری دوسالانه و مدیر کل هنرهای تجسمی)، مهدی خراسانی‌زاده (نایب‌ریس شورای سیاست‌گذاری دوسالانه و معاون هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری)، سیدمحمدحسین حجازی مدیرعامل منطقه فرهنگی‌گردشگری عباس‌آباد، جعفر واحدی رییس مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر، برگزار شد.

احیای خانهٔ کاریکاتور ایران

در ابتدای این برنامه مسعود شجاعی طباطبایی دبیر دوسالانه طی سخنانی گفت: «دوسالانه کاریکاتور تهران به‌عنوان یکی از رویدادهای محوری هنرهای تجسمی، با هدف نمایش توان، عمق و گستردگی هنر کاریکاتور ایران در ابعاد بین‌المللی برگزار شد و در این دوره با حضور هنرمندانی از ۷۰ کشور جهان، جلوه‌ای کم‌نظیر از اعتبار جهانی خود را به نمایش گذاشت.» او با تأکید بر مشارکت هنرمندان از پنج قاره جهان افزود: «این دوره فرصتی بی‌بدیل برای ارائه آثار خلاقانه و نقادانه با تنوعی غنی از سبک‌ها، رویکردهای بصری و محتوایی فراهم کرد و نشان داد که کاریکاتور همچنان یکی از زبان‌های موثر و زنده هنر معاصر در جهان است.

شجاعی طباطبایی احیای رسمی خانهٔ کاریکاتور ایران به‌عنوان دبیرخانه دائمی دوسالانه کاریکاتور تهران را نقطه عطف مدیریتی این دوره دانست و گفت: «این اقدام که تحت مدیریت عباس قاضی‌زاهدی انجام شد، به‌طور مستقیم موجب ارتقای چشم‌گیر کیفیت فنی و اجرایی دوسالانه به سطحی کم‌نظیر شد. در این مسیر، تلاش‌های شبانه‌روزی عباس قادری و تیم اجرایی خانه کاریکاتور ایران نقش تعیین‌کننده‌ای داشت.» به گفته او، در مجموع بیش از ۴۶۰۰ اثر از ۷۰ کشور جهان در چهار بخش تخصصی به دبیرخانه دوسالانه ارسال شد که شامل بخش کارتون موضوعی با محوریت «عجله»، کارتون با موضوع آزاد، بخش کمیک‌استریپ با موضوع آزاد و بخش کاریکاتور چهره بود. او حجم گسترده مشارکت بین‌المللی را عاملی دانست که دوازدهمین دوسالانه بین‌المللی کاریکاتسور تهران را به نقطه عطفی تاریخی تبدیل کرد و گفت: این رویداد بار دیگر بر نقش محوری هنرمندان ایرانی در عرصه هنر انتقادی و طنزآمیز جهانی تأکید کرد. پس از او آیدین مهدی‌زاده با اشاره به ضرورت تحرک بیشتر در عرصهٔ هنرهای تجسمی گفت: «اما عجله نکردیم؛ حتی می‌توان گفت دیر هم کرده‌ایم. انتظار می‌رفت خیلی زودتر از این‌ها وارد عمل شویم، چراکه جهان

منتظر هنرمندان ایران است و جهان منتظر شنیدن خبرهای خوب از هنر این سرزمین است.» او با تأکید بر اهمیت نگاه رو به آینده در برگزاری رویدادهای هنری افزود: «این اتفاق را به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم با حمایت دوستان و همراهی مجموعه‌های فرهنگی، مسیر پیش‌رو با قدرت بیشتری ادامه پیدا کند. امیدوارم این حرکت، آغاز فتوحات خوبی برای هنرهای تجسمی کشور باشد؛ فتوحات و دستاوردهایی که جامعه هنری مدت‌هاست در انتظار آن است.»

درخشش کاریکاتور ایرانی در عرصه جهانی

همچنین علیرضا زاکانی، شهردار تهران، با اشاره به سطح کیفی این رویداد گفت: «آنچه در این دوره شاهد بودیم، کاری بسیار فاخر و ارزشمند بود؛ رویدادی که با دریافت بیش از ۴۴۰۰ اثر از ۸۵۰ هنرمند و ۷۰ کشور جهان، جلوه‌ای روشن از ظرفیت بالای هنر کاریکاتور در عرصت بین‌المللی را به نمایش گذاشت.» در بخش پایانی سخنرانی‌ها، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با ابراز خرسندی از برگزاری دوباره این رویداد گفت: «بسیار خوشحالم که پس از یک دوره وقفه، بار دیگر توفیق حضور در جشنوارهٔ دوسالانه کاریکاتور فراهم شد. هنر کاریکاتور در ایران بدون اغراق، یکی از نمادهای روشن «ما می‌توانیم» در عرصهٔ هنر است. اگرچه عمر کاریکاتور به معنای مدرن آن در ایران حدود ۱۲۵ سال است و نخستین نمونه‌های آن در نشریاتی همچون «ادب مشهد» منتشر شده، اما مسیری که این هنر در بیش از یک قرن گذشته طی کرده، به‌ویژه در دهه‌های اخیر و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جایگاهی درخشان برای هنر ایرانی در عرصه جهانی رقم زده است.»

برگزیدگان

در ادامهٔ این مراسم اسامی برگزیدگان به شرح زیر اعلام شد: **برگزیدگان بخش کارتون موضوعی (عجله):** سیدمحمدجواد طاهری جایزه بزرگ از بابل، بیلیگ بسا جایزه بزرگ از چین، محمد راعی نفر اول از اصفهان، خاویر بونیا لا نفر دوم از اکوادور، تانگ هایفنگ نفر سفر از چین، محمدرضا تقفی جایزه ویژه از کرج، لیدا فضلی جایزهٔ ویژه از تهران، علی رادمند جایزه ویژه از تهران.

برگزیدگان بخش کارتون (آزاد): آلفردو مارتینا هرناندز نفر اول از کوبا، رونالدو کونتهادیاز نفر دوم از برزیل، سرگی سمندیانف نفر سوم از روسیه، اسماعیل بابایی جایزهٔ ویژه از گرگان. **برگزیدگان بخش کاریکاتور (چهره):** شهاب جعفرزاد نفر اول از تهران، بهمن عبدی نفر دوم از تهران، هادی اسدی نفر سوم از همدان، علی رادمند جایزه ویژه از تهران، محمود عرب کرمانی جایزه ویژه از تهران، یاسر خابرابی جایزه ویژه از سنندج. **برگزیدگان بخش کمیک استریپ:** توشو بورکویچ نفر اول از صربستان، یوسف رحیمی نفر دوم از تهران، الکساندر دویوسکی نفر سوم از اوکراین، سامان احمدی جایزهٔ ویژه از تهران، سالار عشرتخواه جایزهٔ ویژه از تبریز، امیر دهقان جایزهٔ ویژه از تهران.

در پایان این مراسم از غلامعلی لطیفی تقدیر شد. او گفت: «از لطفی که در حق من شده است بی‌نهایت متشکرم من هیچ‌وقت خودم را لایق این حجم از لطف شما نمی‌دانستم از شما ممنونم به‌خصوص از آقای شجاعی طباطبایی. من همواره ایشان را تحسین کرده‌ام.»

زندگی کتابی

یادی از **مجتبی مینوی** در سالروز درگذشتش

پروفسور هرتسفلد آلمانی آغاز کرد و طی سال‌های بعد با محمدعلی فروغی و حسن تقی‌زاده آشنایی یافت. سال ۱۳۰۷ به ریاست کتاب‌خانهٔ معارف منصوب شد که بعدتر کتاب‌خانهٔ ملی نام گرفت. در همین دوره با محمد قزوینی آشنا شد و روش نقد تحقیقی متون را نزد او فراگرفت.

گروه ربهه

مینوی سال ۱۳۰۸ برای اشتغال در دفتر سرپرستی محصلین سفارت ایران در لندن به انگلستان عزیمت کرد. طی سال‌های بعد به تکمیل آموزش زبان‌های انگلیسی و فرانسه پرداخت و طی دورهٔ اقامت چندساله در اروپا با تعدادی از خاورشناسان بنام اروپایی آشنایی پیدا کرد. سال ۱۳۱۲ به ایران بازگشت و در تهیه و چاپ دوره «شاهنامه» توسط کتاب‌فروشی بروخیم شرکت کرد و هم‌چنین با محمدعلی فروغی در تهیه خلاصهٔ «شاهنامه» هم‌کاری داشت. مینوی دربارهٔ این دوره می‌گوید: «من در این بازگشت ۵ سال در تهران ماندم و با صادق هدایت و بزرگ علوی و عبدالحسین نوشین و مسعود فرزاد و مین‌باشیان دوست شدم و یکی دو سال بعد هم دکتر خانلری به ما ملحق شد، و با آن‌که بیش از چهار نفر بودیم، اسم‌مان شد «ربهه» و در آن ایام اغلب در کافه‌ها جمع می‌شدیم و شطرنج بازی می‌کردیم و سعی می‌کردیم در سیاست دخالت نکنیم. اما گاهی بعضی از ما زیرجلکی با سیاست سروکار داشتند که اسباب زحمت ما هم می‌شد، اما من با سیاست کاری نداشتم. این پنج سال دورهٔ کمال کاروری و کاربری ما بود. در همین سال‌ها بود که نوشین نمایش‌هایی مانند «توپاز» و «اتللو» و «تارتوف» را روی صحنه می‌آورد، و غیر از این هم در سال ۱۳۱۳ سه تابلو از «شاهنامه» را برای هزارهٔ فردوسی آماده کردیم. باز در همین سال‌ها بسود که بنده «نامه‌تر» و «نوروزنامه» و «اطلال شهریارسه» را چاپ کردم و با صادق هدایت کتاب «مازیار» را نوشتیم که تهیه قسمت تاریخی این کتاب با بنده بود و صادق قسمت نمایش را تهیه کرد و یا در همین سال‌ها بود که بنده «ویس و رامین» و جلد اول «شاهنامه» را چاپ کردم و خلاصه «شاهنامه» را هم با مرحوم فروغی درست کردیم و «شاهنشاهی ساسانیان» اثر کریستن‌سن را ترجمه کردم و چه خوب شد که پس از چاپ این کتاب برای دوماهی به لندن رفتم، چون که این کتاب، اگرچه ربطی به اوضاع فعلی دنیا ندارد، بالای عمر بنده شده بود. بنده در لندن بودم که کتاب «شاهنشاهی ساسانیان» توقیف شد... توقیف کتاب باعث تعجب

آشنایی با تقی‌زاده، فروغی و قزوینی

مجتبی مینوی سال ۱۲۹۸ در پی انتصاب پدرش به ریاست عدلیه رشت به همراه خانواده به آن شهر عزیمت کرد. از سال ۱۲۹۹ به تحصیل در دارالمعلمین پرداخت و سال ۱۳۰۲ در پی اشتغال پدر در مجلس شورای ملی به تهران بازگشت. از همان سال در مجلس شورای ملی به عنوان تندنویس به مدت دو سال مشغول کار بود. در همین دوره آموزش زبان پهلوی را نزد

دیدگاه: یادداشت روز

شکست و امید در قلب دگرگونی

درباره مستند **اویستیس**

مستندساز این بود که نتیجه را از پیش به شما ندهیم و همیشه شک و تردید را حاضر نگه داریم». او درباره رویکرد فیلمسازی که از توضیح یا روایت پرهیز می‌کند، توضیح می‌دهد: «گروه مستندسازان شیلی سال‌هاست در همان فرمی فیلمبرداری کرده که این فیلم در آن ساخته شده: نماهای ثابت و صدای مستقیم. این یک تمرین برای توقف و مشاهده است که علاوه بر ریشه در تاریخ سینما، به ما امکان داد از لحظه سیاسی فاصله بگیریم و با اضطراب گسترده‌ای که بحران و عدم قطعیت ایجاد کرده، صبور باشیم. ثابت نگه داشتن دوربین و مشاهده طولانی، راهی برای تأمل و انتظار

«این فیلم تصویر ثبات و پیشرفت شیلی در آمریکای لاتین را از هم می‌گسلد. اویسیس از خلال شکاف‌ها و تناقض‌های این مدل، دگرگونی کشوری ازهم‌گسیخته را تماشا می‌کند؛ با تنش‌های اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی‌اش، تا درباره دشواری‌های فرآیندهای تغییر در دموکراسی‌های لیبرال تأمل کند». این چیزی است که تامارا اوریبه، کارگردان فیلم اویسیس در معرفی این فیلم می‌گوید.

فرض بر این است که بیشتر مخاطبان بین‌المللی فیلم، از نتیجه دو مهم‌پرسی اخیر درباره اصلاح قانون اساسی در شیلی، اول در ۲۰۲۲ و دوم در ۲۰۲۳ باخبر هستند. برای کسانی که نمی‌دانند، هیچ اسپویلی ارائه نمی‌شود، هرچند سرنخی رمزی در آغاز فیلم هست: اعتراضات خیابانی و در پایان، راهپیمایان از کنار یک مأمور پلیس عبور می‌کنند، تنها برای دست دادن با او و گفتن «متشکرم دوست» ایستاده‌اند.

در میان این تعاملات، ما شاهد بحث، لابی، کمپین و اعتراض‌های متعدد از سوی گروه‌ها و ذی‌نفعان مختلف هستیم که می‌خواهند تغییر، بهبود و حتی به رسمیت شناخته شدن حقوق در قانون اساسی درج شود، چه برای حق آموزش، آب پاکیزه یا محدودیت در قطع درختان و چه برای تعریف حقوق زنان، کودکان و جامعه دگرباشان جنسی. ما همچنین روند پارلمانی را می‌بینیم، جایی که ادعاها شنیده می‌شوند و توسط نمایندگان منتخب با تحسین می‌شوند یا رد. یک لایست می‌پرسد: «چرا شما، نویسندگان قانون اساسی جدید شیلی، که این فرصت را در دست دارید، آن را برای همه نمی‌نویسید؟ همین دلیل انتخاب شدن شماست».

یک سیاستمدار محافظه‌کار شکایت می‌کند: «یک گروه ادعا می‌کند که قربانی چیزی شده است که شخصاً تجربه نکرده و گروه دیگر باید برای چیزی که انجام نداده است، غرامت بدهد». در نهایت پیش‌نویس قانون اساسی نوشته می‌شود و همان‌طور که در پایان فیلم مشاهده می‌کنیم، این پیش‌نویس باید برای تصویب یا رد به رأی مردم گذاشته شود...

فیلیبه مورگادو، همکار کارگردان می‌گوید: «احساس می‌شد که قانون اساسی جدیدی در شرف تولد است، اما در فیلم وظیفه ما به‌عنوان



گزارش: سینمای ایران

جویندگان سیمرغ

نگاهی به کارگردانان جشنواره فجر

در فاصله ۵ روز مانده به آغاز جشنواره فیلم‌فجر، نگاهی به

لیست کارگردانان حاضر در فستیوال این دوره، حکایت از متفاوت بودن آن دارد.

چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم‌فجر، طبق روال هرساله از تاریخ ۱۲بهمن در سینماهای سراسر کشور آغاز می‌شود. جشنواره‌ای که در دهه‌های ابتدایی تبدیل به مرجع اصلی سینمای ایران شد، ضمن اینکه حضور کارگردانان بزرگ و فیلم‌های مطرح جهان نیز بر اهمیت آن برای مخاطبان سینما در ایران افزود.

شاید کمتر عاشق سینمایی باشد که در دهه‌های شصت و هفتاد! زمان زیادی را در صف انتظار دیدن فیلم‌های جشنواره سپری نکرده باشد. آن‌هم جشنواره‌هایی که اسامی بزرگی چون داریوش مهرجویی، ناصر تقوایی، بهرام بیضایی، عباس کیارستمی، مسعود کیمیایی، علی حاتمی و در سال‌های بعد از آن اصغر فرهادی و رضا میرکریمی در آن فیلم داشتند و این جذابیتی رقابتی را برای علاقه‌مندان می‌ساخت. اما در سال‌های اخیر آنطور که منتقدان و کارشناسان می‌گویند، جشنواره فجر با هرچه خالی‌تر شدن از اسامی بزرگ، با افت کیفی و البته بحران در جذب مخاطبان جدی و اصلی سینما مواجه شده است. با این‌وجود از چند روز دیگر جشنواره فیلم‌فجر برای چهل‌وچهارمین بار افتتاح می‌شود و این در حالی‌ست که لیست امسال بیش از هرچیز متشکل از فیلمسازان اول و کمتر شناخته شده است، هرچند اسامی آشنایی نیز در این میان دیده می‌شوند.

سرشناس‌ترین‌ها

رسول صدرعاملی به‌عنوان باتجربه‌ترین کارگردان حاضر در جشنواره فجر ۴۴ شناخته می‌شود. صدرعاملی با فیلم «قایق‌سواری در تهران» به جشنواره می‌آید که این پانزدهمین اثر این کارگردان قدیمی است. او که شرکت پخش سینمایی‌اش یکی از مهم‌ترین مؤسسات توزیع فیلم‌های ایرانی نیز هست، در سال‌های اخیر بیشتر فعالیتش حول محور تهیه‌کنندگی بوده، با این‌حال کمتر کسی است که موفقیت فیلم «من ترانه پانزده سال دارم» این کارگردان را به‌یاد نداشته باشد.

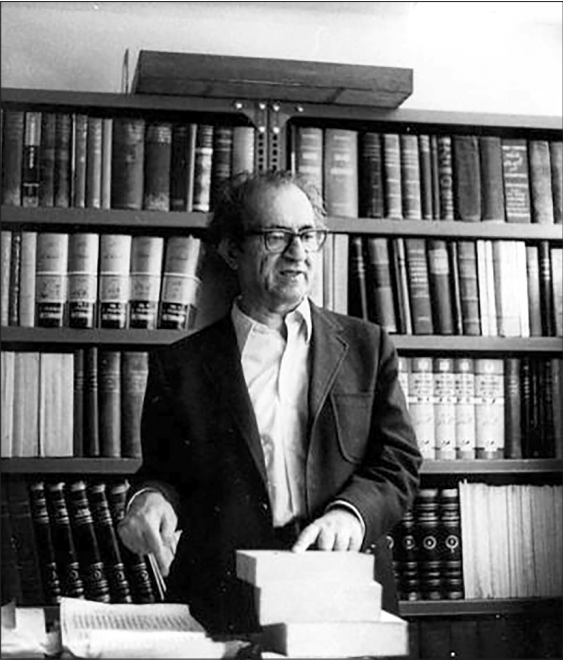
اما صدرعاملی تنها کارگردان باتجربه و نام‌دار این دوره نیست. امیر شهاب‌رضویان که اصولاً کارگردانی کم‌کار است، در این دوره از جشنواره فیلم‌فجر با فیلم «خجستگانی که در جنگ ملاقات کردم» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی خودش حضور دارد. او نیز مانند صدرعاملی تجربه تصاحب سیمرغ بلورین جشنواره را دارد. در سال ۱۳۸۵ فیلم «مینیای شهرخاموش» برای او سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی را به رافعان آورد.

نام سرشناس دیگر در میان کارگردانان این دوره جشنواره فیلم‌فجر، محمدحسین مهدویان است. کارگردانی که از همان فیلم اولش در جشنواره مورد توجه قرار گرفت، امسال با فیلم «نیم شب» در این فستیوال حضور دارد. او با ایستاده در غبار و ماجرای نیمروز دو سیمرغ بلورین بهترین فیلم و با درخت گردو سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی را تا الان از جشنواره فیلم‌فجر گرفته است. منوچهر هادی با فیلم «خیابان جمهوری» در جشنواره فجر حضور پیدا خواهد کرد. این یازدهمین فیلم این کارگردان است که تا به‌حال شانس تصاحب سیمرغ بلورین را نداشته است. هادی پیش از این فیلم‌های موفقی در گیشه مانند رحمان ۱۴۰۰، آینه بغل و من سالوادور نیستم را ساخته و یکی از پرکارترین کارگردانان سال‌های اخیر در ساخت سریال بوده است.سروش صحت نیز با سومین فیلم بلندش یکی از نام‌های اصلی جشنواره امسال است. او که اولین فیلمش به‌نام «جهان با من برقص» شروع خوبی را برایش رقم زد، با فیلم صبحانه با زرافه‌ها خودش را به‌عنوان یک کارگردان صاحب‌سبک در زمینه کم‌دی مطرح کرد. سومین فیلم صحت که در جشنواره به‌نمایش درمی‌آید «استخر» نام دارد و باید دید آیا موفقیت‌های قبلی را برایش تکرار می‌کند؟

فارسی، ظهر چهارشنبه ۶ بهمن ۱۳۵۵ش، درحالی‌که ۲۴ ساعت پیش از مرگش آخرین نمونه‌چاپی «داستان سیلوش» را تصحیح و اجازه چاپ داده بود، بر اثر سکته قلبی درگذشت.

در یک خانواده کتاب‌دار و کتاب‌خوان

مجتبی مینوی درباره کتاب‌خانه خود گفته بود: «همه قبیله من عالمان دین بودند. مخصوصاً جد مادری و جد پدری‌ام. مقداری از این کتاب‌ها ارث خانوادگی بنده است. و غیر از این، چون بنده در یک خانواده کتاب‌دار و کتاب‌خوان به‌دنیا آمده و بزرگ شده بودم، عشق به کتاب داشتن و کتاب خواندن هم از کوچکی در بنده به‌وجود آمد. وقتی بنده کوچک بودم، پدرم می‌رفت کتاب امانت می‌گرفت و یا کرایه می‌کرد و به خانه می‌آورد و ما تمام خانواده دور هم می‌نشستیم به نوبت می‌خواندیم. و این نوع کتاب خواندن یعنی کتاب‌خوانی دسته‌جمعی، پنج-شش سال در خانواده ما معمول بود. بعد رفته به دارالفنون مادر هم روز برایم نان در دستمال می‌پیچید و دو عباسی پول قاقق هم در جیبم می‌گذاشت که بنده بایست با این دو عباسی، هشت‌شاهی، قاقتی از قبیل حلسوا ارده و کله‌پاچه و پنیر و از این قبیل چیزها بخرم. اما من فقط ۳ شاهی از این پول را پتیر با حلوا می‌خریدم. در باغچه دارالفنون هم جعفری می‌کاشتند. از آن سبزی‌ها هم می‌چیدم با نان می‌خوردم و ۵ شاهی هم پس‌انداز می‌کردم. می‌رفتم به مسجد شاه، در صحن و حیاط مسجدشاه گله‌به‌گله بساط کتاب‌فروشی می‌چیدند. من با یکی از کتاب‌فروشی‌های مسجد شاه، با آقارضا، قرار گذاشته بودم که روزی ۵ شاهی به او بدهم، وقتی پس‌اندازم به حد کافی رسید، به من کتاب بدهد، مثلاً اگر قیمت کتاب ۳۰ شاهی بود بایست ۶ روز، روزی ۵ شاهی به آقا رضا بدهم و روز ششم کتاب را تحویل بگیرم. کم‌کم آقا رضا به من اعتماد پیدا کرد، پولش را با اقساط روزانه ۵ شاهی از من می‌گرفت. یک روز بدهی من به آقا رضا به ۳ تومان رسید. ۳ تومان در آن وقت برای من یک ثروت هنگفتی بود. سفر دمانود هم برای پدرم پیش آمده بود و ما هم به‌ناچار با او می‌رفتیم. رفتم پیش آقا رضا و قضیه را گفتم، آقا رضا گفت: عیبی ندارد. وقتی از سفر برگشتی می‌دهی و ما رفتم سفر و یک‌سال بعد برگشتم به تهران. تا برگشتم رفتم سریع آقا رضا، اما آقا رضا فوت شده بود. برادری داشت در بازار حلبی‌سازها. رفتم سریع او گفتم: خدایا‌مرز برادر شما ۳ تومان از من طلبکار است. حتماً آن مرحوم زن و بچه هم دارد! گفت: بله. گفتم اجازه بدهید، این ۳ تومان را بدهم به شما، شما بدهید به زن و بچه‌اش، و او هم تشکر و قبول کرد. منظورم از گفتن این مطالب این است که بگویم چه شکلی شروع به جمع‌آوری کتاب کردم. از ۱۳ سالگی به‌بعد به تدریج کتاب می‌خریدم و به دو‌یست جلد کتابی که از جدم به پدرم و از پدرم به بنده ارث رسیده بود، اضافه کردم و حالا به ۲۵ هزار جلد رسیده و دلم می‌خواهد اگر می‌توانستم به ۲۰ هزار جلد می‌رساندم و تمام این کتاب‌خانه را هم مجاناً و بلاعوض به ملت ایران تقدیم خواهم کرد. بنده از دسترسی نداشتن به کتاب خیلی زجر کشیدم، و دلم می‌خواهد آیندگان بی‌آن‌که زجر بکشند این کتاب‌ها را در دسترس داشته باشند.»



کریستن‌سن هم شده بود.»

مینوی سال ۱۳۱۳ در کنگره بین‌المللی هزاره فردوسی در تهران حضور داشت و با بسیاری از خاورشناسان اروپایی که به ایران آمده بودند، آشنا شد. در همان سال مجدداً به انگلستان رفت و طی ۱۵ سال بعدی بیشتر در انگلستان اقامت داشت. اقامت طولانی او در این کشور موجب شد که با تعدادی از خاورشناسان سرشناس چون ولادیمیر مینورسکی، دنیسن راس، هارولد بیلی و والتر هنینگ مراوده داشته باشد. با اوج گرفتن نهضت ملی شدن نفت در سال ۱۳۲۸ او همکاری خود را با رادیو بی‌بی‌سی قطع کرد و در پی دعوت به کار از سوی دانشگاه تهران به ایران بازگشت و به تدریس در دانشکده ادبیات پرداخت. از سال ۱۳۳۱ مدتی ریاست تعلیمات عالیه وزارت فرهنگ را داشت و سال ۱۳۳۹ از طرف دانشگاه تهران مأموریت یافت که طی سفرهایی به ترکیه، ضمن جست‌وجو در کتابخانه‌های آن کشور و بررسی کتب خطی فارسی و عربی و ترکی به عکس‌برداری و تهیه میکروفیلم از تعدادی از کتب خطی بپردازد. گزارشی از نتایج علمی این سفرها را در مقالاتی با عنوان «از خزان ترکیه» در مجله دانشکده ادبیات تهران در سه شماره متوالی در سال ۱۳۳۵ منتشر کرد. طی همین دوران موفقی به تهیه میکروفیلم از بیش از هزار نسخه خطی شد که در کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. از سال ۱۳۳۶ به مدت ۴ سال به سمت راینز فرهنگی ایران در ترکیه منصوب شد. در همین سال در کنگره بین‌المللی خاورشناسان در استانبول حضور یافت. در همین دوره عضویت در شورای عالی دانشگاه‌ها و شورای عالی سازمان اسناد ملی و عضویت پیوسته فرهنگستان ادب و هنر ایران (از سال ۱۳۵۲) و مشاوره در بنیاد فرهنگ ایران را داشت. مینوی سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تهران بازنشسته شد و در همان سال سرپرستی علمی بنیاد شاهنامه فردوسی را به‌عهده گرفت و تا پایان عمر به این کار ادامه داد. استاد مجتبی مینوی سرانجام و پس از یک عمر خدمت به ایران و زبان

برای لحظه‌ای بی‌تکرار بود که نشانه‌ها و سرنخه‌هایی از آنچه در حال رخ دادن بود به ما بدهد». این حتی در صحن پارلمان شیلی نیز ممکن شد، جایی‌که به گفته همکار کارگردان تامارا اوربیه، چنین دسترسی پیش‌تر هرگز فراهم نشده بود و هماهنگی آن دشوار بود. او می‌گوید: «خوشبختانه روش فیلمبرداری مستند ما بسیار کم‌تهاجمی است و تیم بسیار کوچک است، بنابراین مزاحم کسی در راهروها نشدیم و مهم‌تر اینکه حضور مستمر ما در مکان به‌تدریج اعتماد به‌دست آورد و دسترسی ما را بهبود بخشید». عنوان فیلم اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که سیاستین بی‌پنیه‌را، رئیس‌جمهور شیلی (که در فوریه ۲۰۲۴ در سانحه‌هلی‌کوپتر کشته شد)، کشورش را به‌عنوان «اوپیسیس» آرام و مرفه در منطقه‌ای ناپایدار اقتصادی معرفی می‌کرد. اوپیسس در فارسی به معنی «واحه»، «آبادی» یا «مرغزار در میان کویر» است.

اوربیه می‌گوید: «فراتر از طنز، به نظر ما این کلمه تصویر بصری مشخصی از تصور شیلی درباره موفقیت در آمریکای لاتین دارد، اما هیچ چیزی از واقعیت دورتر نیست و ما این را در سرزمین مشاهده کردیم. به‌عنوان یک گروه، سال‌هاست روی باتاب هویت ملی کار کرده‌ایم، آن را از خلال تصاویر و چشم‌اندازهای در تنش بررسی کرده‌ایم و تلاش کرده‌ایم شکست‌های کشور را در تصاویر بباییم. از این نظر، به نظر ما عنوانی بسیار گویا و در عین‌حال طنزآمیز است که بعد زیست‌محیطی نیز دارد و بخشی مهم از دید ما در فیلم (است)». در مورد همه‌پرسی بریتانیا در سال ۲۰۱۶



جامعه سینمایی تقریباً همگی خواستار ماندن در اروپا بودند. آیا در بخش صوتی تصویری شیلی نیز وحدت نظر مشابهی وجود داشت؟ مورگادو پاسخ می‌دهد: «خوشبختانه جامعه سینمایی تنوع عظیمی از واقعیت‌ها و دیدگاه‌ها دارد که آن را به جامعه‌ای بسیار پیچیده تبدیل می‌کند و این در بخش فرهنگی شیلی منعکس شده است، جایی‌که پروژه‌ها لزوماً هم‌سو با سیاست نیستند. بنابراین مطمئنم که برخی از فعالان فرهنگی از این فرصت احساس سرخوردگی عمیق کردند، اما در عین حال هیچگاه چنین امیدی وجود نداشت». اوربیه از انتخاب فیلم برای نمایش جهانی در جشنواره‌های معتبری چون برلین خوشحال است. او می‌گوید: «مستند ما پرسش‌هایی درباره مسائل جهانی مطرح می‌کند و چالش‌های پیش‌روی تمام بشریت را منعکس می‌کند. به همین دلیل، معتقدیم فیلمی است که می‌تواند برای مخاطبان بین‌المللی بسیار چالش‌برانگیز و جذاب باشد». با زیبایی‌شناسی مشاهده‌گرانه و رویکردی جمعی، مستند «اوپیسس» ساخته گروه جمعیت مستندسازان شیلی، شکاف‌های مدل شیلیایی را از خلال طنز، تنش اجتماعی و پوچی سیاست بررسی می‌کند. این اثر، به‌جای ارائه پاسخ‌های قطعی، تأملی انتقادی درباره مرزهای دگرگونی دموکراتیک و حافظه معاصر کشور پیشنهاد می‌دهد. این اثر به کارگردانی فیلیپه مورگادو و تامارا اوربیه، که در جشنواره‌های بین‌المللی‌ای چون برلیناله، کمدن و بایریتز که در آنجا جایزه بهترین مستند را نیز دریافت کرد، به‌نمایش درآمد که روایتی نکته‌دار اما قدرتمند از نخستین فرآیند تدوین قانون اساسی در شیلی می‌سازد؛ از اعتراضات گسترده اکتبر ۲۰۱۹ تا همه‌پرسی پایانی و همچنین مناظرها و تنش‌های شدید درون مجمع قانون اساسی.

«اوپیسس» با دوربینی که همواره به جزئیات و به پوچی زندگی روزمره حساس است، امضای آشنای این گروه در آثار پیشین‌شان مانند پرواگاندا ۲۰۱۴، دیوس ۲۰۱۹ نگاهی انتقادی به دوره‌ای از دگرگونی سیاسی و اجتماعی می‌اندازد که هنوز هم محل مناقشه است. فیلم، به‌جای ارائه روایتی خطی یا پیروزمندانه، ساختاری مشاهده‌گرانه را برمی‌گزیند و صحنه‌ها، گفت‌وگوها و لحظاتی را ثبت می‌کند که پیچیدگی فرآیندی را نشان می‌دهد که هم انتظارش می‌رفت و هم ناکام ماند. فیلیپه مورگادو، مشاور کارگردان این اثر می‌گوید: «پس از شکست فرآیند تدوین قانون اساسی، نظری رایج شکل گرفت: همه آنچه از اکتبر تا آن زمان رخ داد، بی‌فایده بود. شاید اوپیسس، چهار سال پس از آن رخداد، به ما یادآوری می‌کند که بازگشت به تاریخ ممکن نیست و در میان صحنه‌هایش، که تکه‌هایی از حافظه جمعی هستند، سرنخه‌ایی وجود دارد که به ما کمک می‌کند کمی بیشتر از آنچه امروز رخ می‌دهد را بفهمیم».

این اثر که توسط آلیا گاویراگی و دیوگه پینو آنگویتا تهیه شده، همچنین به‌عنوان شهادتی جمعی از یک شهروندی فعال و اختلاف‌هایی که لحظه‌ای تاریخی را شکل دادند، عمل می‌کند؛ لحظه‌ای که هنوز اثرات خود را بر جای گذاشته است.





دیدگاه: یادداشت اقتصادی

نظم بی‌نظمی

جهان با چه خطرهایی مواجه است؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

گزارش ریسک‌های بزرگ ۲۰۲۶ گروه مطالعاتی اوراسیا تصویری نگران‌کننده اما واقع‌گرایانه از آینده نظم جهانی ارائه می‌دهد. برخلاف دوره‌های تاریخی پیشین که تغییر نظم بین‌المللی معمولاً با جنگ‌های بزرگ میان قدرت‌ها همراه بوده، سال ۲۰۲۶ به‌عنوان نقطه عطفی توصیف می‌شود که در آن نظم جهانی نه از طریق درگیری مستقیم بلکه از مسیر «فروپاشی تدریجی از درون» دچار اختلال می‌شود. این فروپاشی حاصل هم‌زمان چند روند عمیق و ساختاری است: انقلاب سیاسی در ایالات متحده، شکاف فزاینده فناوری و انرژی میان چین و آمریکا، بحران‌های انباشته در اقتصاد چین و ظهور ریسک‌های نوین ناشی از هوش مصنوعی. مجموع این عوامل، جهان را وارد عصری کرده‌اند که می‌توان آن را «عدم قطعیت بزرگ ژئوپلیتیک» نامید.

در قلب این تحولات، ایالات متحده قرار دارد؛ کشوری که پس از جنگ جهانی دوم معمار اصلی نظم بین‌المللی بود اما اکنون خود به یکی از مهم‌ترین منابع بی‌ثباتی تبدیل شده است. گزارش اوراسیا تحولات سیاسی آمریک را نه یک نوسان مقطعی بلکه یک «انقلاب سیستمی» می‌داند. انقلاب سیاسی تحت رهبری دونالد ترامپ با هدف تغییر بنیادین ساختار قدرت و تضعیف نظارت‌های نهادی شکل گرفته است. بیش از ۷۷ میلیون رأی‌دهنده آمریکایی در انتخابات ۲۰۲۴ به ترامپ رأی دادند؛ رأی‌دهندگانی که بسیاری از آنها باور داشتند، سیستم سیاسی آمریکا پیش از این نیز دچار فرسایش شده است. در این چارچوب، اقداماتی مانند پاک‌سازی کارکنان دولت به دلایل سیاسی، سیاسی‌سازی وزارت دادگستری و اف‌بی‌آی و استفاده ابزاری از تحقیقات قضایی علیه رقبای، نشانه‌های بارز این انقلاب تلقی می‌شوند.

کنترل رسانه‌ها و فناوری نیز بخش مهمی از این تحول است. پرداخت‌های کلان شرکت‌های بزرگ رسانه‌ای و فناوری به ترامپ برای در امان ماندن از فشارهای سیاسی و تمرکز مالکیت رسانه‌ها در دست بازیگران هم‌سو با او (ازجمله تصاحب پارامونت و سی‌بی‌اس توسط خانواده الیسون و مالکیت ایلان ماسک بر پلتفرم ایکس) فضای رسانه‌ای آمریکا را به‌شدت دگرگون کرده است. با این حال، گزارش پیش‌بینی می‌کند که در انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر ۲۰۲۶ جمهوری‌خواهان احتمالاً کنترل مجلس را از دست خواهند داد؛ چراکه محبوبیت ترامپ شکننده است و نارضایتی عمومی از وضعیت اقتصادی افزایش یافته است. در جبهه جهانی، شکاف تکنولوژیک و انرژی میان چین و آمریکا به یکی از محوری‌ترین ریسک‌ها تبدیل شده است. چین بر «الکترون‌ها» و فناوری‌های قرن بیستم‌ویکم تمرکز کرده درحالی که آمریکا همچنان بر «مولکول‌ها» و سوخت‌های فسیلی قرن بیستم تکیه دارد. چین امروز کنترل ۷۲ درصد تولید جهانی باتری‌های لیتیوم-یون و ۹۰ درصد آهن‌رباهای نئودیمیوم مورد نیاز موتورهای الکتریکی را در اختیار دارد. این کشور تنها در سال ۲۰۲۴ حدود ۲۹۶ گیگاوات ظرفیت جدید برق اضافه کرده؛ رقمی که معادل یک‌سوم کل شبکه برق آمریکاست. در مقابل، آمریکا تنها ۳۱ گیگاوات به ظرفیت خود افزوده و تمرکز سیاست انرژی آن (به‌ویژه تحت رهبری ترامپ) بر افزایش تولید نفت وگاز، این کشور را از زیرساخت‌های انرژی آینده عقب نگه داشته است. هم‌زمان اقتصاد چین با یک ریسک ساختاری جدی روبه‌روست. بحران طولانی‌مدت بازار مسکن که بیش از ۴.۵ سال ادامه داشته به کاهش ثروت خانوارها انجامیده و بیش از ۲۵ درصد شرکت‌های بورسی چین را به وضعیت زیان‌ده کشانده است. این شرایط، چین را در معرض یک «تله تورم منفی» قرار داده که پیامدهای آن به کل اقتصاد جهانی سرایت می‌کند. با وجود این، جایگاه دلار و بازارهای مالی آمریکا همچنان مستحکم است و سرمایه‌گذاران خارجی حدود ۱۱ تریلیون دلار سهام آمریکایی در اختیار دارند. در نهایت هوش مصنوعی به‌عنوان دوگانه‌ای از فرصت و تهدید مطرح می‌شود. این فناوری سهم عمده‌ای از رشد اقتصادی و سود بازار سهام آمریکا را به خود اختصاص داده اما هم‌زمان ریسک شکل‌گیری حباب و تشدید رقابت‌های ژئوپلیتیکی را افزایش داده است. چین به‌دنبال توسعه هوش مصنوعی ارزان و قابل استفاده در مقیاس صنعتی و نظامی است درحالی که آمریکا بر ساخت مدل‌های بسیار پیشرفته و عمومی متمرکز شده است. در جهانی که هم‌زمان با افزایش درگیری‌های نظامی و بحران‌هایی مانند کمبود آب مواجه است، این رقابت‌های فناورانه می‌توانند به یکی از مهم‌ترین محرک‌های بی‌ثباتی در سال ۲۰۲۶ تبدیل شوند. در مجموع، گزارش اوراسیا نشان می‌دهد که جهان در آستانه دوره‌ای قرار دارد که در آن، ضعف‌های درونی قدرت‌های بزرگ (نه جنگ‌های کلاسیک) موتور اصلی بی‌ثباتی خواهند بود.

خبر خوبی نیست

چرا افزایش قیمت جهانی طلا برای دولت چهاردهم بدشانسی است؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

یکی از بدشانسی‌های وارداتی دولت چهاردهم، افزایش مستمر و بی‌سابقه قیمت جهانی طلا در ماه‌های گذشته است. روندی که نه‌تنها سیاست‌گذاران اقتصادی ایران بلکه تقریباً تمام دولت‌های وابسته به واردات و دارای اقتصادهای آسیب‌پذیر را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. قیمت جهانی طلا برای نخستین‌بار در تاریخ بازارهای مالی از مرز ۵ هزار دلار در هر اونس عبور کرده و یک روز تاریخی را در حافظه بازارهای جهانی به ثبت رسانده است. این رکوردشکنی درحالی رخ داده که اقتصاد جهانی هنوز به‌طور کامل از پیامدهای تورم‌های انباشته، سیاست‌های انقباضی بانک‌های مرکزی و شوک‌های ژئوپلیتیکی چند سال اخیر رهایی نیافته است.

اما چرا افزایش قیمت طلا برای دولت چهاردهم خبر خوبی نیست؟ اقتصاددانان می‌گویند: افزایش قیمت طلا همواره به‌عنوان یک شاخص مهم از سطح نااطمینانی در اقتصاد جهانی شناخته می‌شود. طلا، برخلاف بسیاری از دارایی‌های مالی، نه بهره می‌دهد و نه سود تقسیمی دارد، با این حال در دوره‌هایی که

ریسک‌های اقتصادی و غیراقتصادی افزایش می‌یابد به یکی از جذاب‌ترین پناهگاه‌های امن سرمایه تبدیل می‌شود. جهش اخیر قیمت طلا بیش از آنکه ریشه در عوامل بنیادین عرضه و تقاضای صنعتی داشته باشد، ناشی از افزایش شدید ریسک‌های غیراقتصادی و ژئوپلیتیکی در سطح بین‌المللی است. مهم‌ترین عامل در این میان، افزایش احتمال درگیری مستقیم یا غیرمستقیم نظامی میان ایران و ایالات متحده است. تشدید تنش‌ها در خاورمیانه، تهدید مسیرهای انرژی و احتمال گسترش درگیری‌ها به سایر بازیگران منطقه‌ای، نگرانی‌های عمیقی را در بازارهای مالی جهانی ایجاد کرده است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که هرگونه افزایش تنش در مناطق ژئوپلیتیکی حساس، به‌ویژه مناطقی که نقش کلیدی در تأمین انرژی جهان دارند، به سرعت به افزایش تقاضا برای دارایی‌های امن مانند طلا منجر می‌شود. در کنار این عامل، تشدید اختلافات میان ایالات متحده و ناتو بر سر موضوعاتی نظیر گرینلند و امنیت مناطق استراتژیک قطبی نیز به فضای عدم قطعیت دامن زده است. این تنش‌ها نشان‌دهنده شکاف‌های عمیق‌تر در نظم ژئوپلیتیکی غرب و

بازار سهام

فشار ریسک

بورس چگونه به‌هم ریخت؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

مبادلات بورس تهران با تشدید فشار فروش و تداوم فضای منفی به پایان رسید. شاخص کل بورس در پایان معاملات با افت ۱۲۱ هزار و ۳۴۴ واحدی معادل ۲۰.۸۶ درصد تا سطح ۴ میلیون و ۱۱۵ هزار واحد عقب نشست. شاخص کل هم‌وزن نیز که نمای بهتری از وضعیت کلی بازار ارائه می‌دهد با کاهش ۲۷ هزار و ۱۶۸ واحدی معادل ۲.۴۹ درصد، به محدوده یک میلیون و ۶۱ هزار واحد رسید. در نیمه نخست زمان معاملات، نماد «فملی» به‌عنوان بزرگ‌ترین نماد بازار متوقف بود و همین موضوع باعث شد، افت شاخص کل در مقایسه با روز گذشته کمتر به‌نظر برسد. این وضعیت در ساعات ابتدایی معاملات، تصویری نسبتاً بهتر از دیروز از ریزش بازار ارائه می‌داد اما این آرامش ظاهری دوام چندانی نداشت. پس از بازگشایی نماد

تضعیف هماهنگی میان متحدان سنتی است. سرمایه‌گذاران جهانی این نشانه‌ها را به‌عنوان هشدارهایی جدی درباره آینده ثبات سیاسی و اقتصادی جهان تلقی می‌کنند و در واکنش به آن بخشی از دارایی‌های خود را به طلا منتقل می‌کنند. علاوه بر ریسک‌های ژئوپلیتیکی، عوامل پولی و مالی نیز نقش مکملی در افزایش قیمت جهانی طلا ایفا کرده‌اند. بدهی‌های فزاینده دولت‌ها، کسری بودجه‌های مزمن و تردید نسبت به پایداری سیاست‌های پولی انقباضی بانک‌های مرکزی، به‌ویژه در ایالات متحده، باعث شده است که انتظارات تورمی به‌طور کامل مهار نشود. در چنین شرایطی، طلا به‌عنوان پوششی در برابر کاهش ارزش پول‌های ملی و تورم بالقوه،



جاذبیت بیشتری پیدا می‌کند. اما پرسش مهم این است که چرا افزایش مستمر قیمت جهانی طلا برای اقتصاد ایران خبر خوبی نیست؟ برخلاف تصور عمومی که افزایش قیمت طلا را نشانه‌ای از افزایش ارزش دارایی‌ها می‌داند، برای اقتصاد ایران این روند پیامدهای منفی متعددی به همراه دارد. پیامد نخست این است که ایران واردکننده خالص طلاست و افزایش قیمت جهانی آن به‌طور مستقیم هزینه واردات را بالا می‌برد. این موضوع فشار مضاعفی بر منابع ارزی محدود کشور وارد کرده و می‌تواند کسری تراز پرداخت‌ها را تشدید کند.

پیامد بعدی این است که افزایش قیمت جهانی طلا معمولاً به‌سرعت به بازار داخلی انتقال می‌یابد و باعث رشد قیمت سکه و طلا در داخل کشور می‌شود. در شرایطی که اقتصاد ایران با تورم ساختاری بالا مواجه است، جهش قیمت طلا می‌تواند به تشدید انتظارات تورمی دامن بزند و رفتارهای سفته‌بازانه را تقویت کند. در چنین فضای، خانوارها و سرمایه‌گذاران خرد به جای هدایت منابع خود به سمت فعالیت‌های مولد، به خرید طلا و سکه روی می‌آورند که این رفتار جمعی به رکود بیشتر بخش واقعی اقتصاد منجر می‌شود.

به عقیده اقتصاددانان، یکی دیگر از پیامدهای منفی افزایش قیمت طلا، تأثیر غیرمستقیم افزایش قیمت جهانی طلا بر بازار داخلی ارز است. طلا و ارز در اقتصاد ایران، رابطه‌ای تنگاتنگ دارند و افزایش جذابیت طلا می‌تواند، تقاضا برای ارز را نیز افزایش دهد. این موضوع، به‌ویژه در شرایط محدودیت عرضه ارز، فشار بیشتری بر نرخ ارز وارد می‌کند و چرخه‌ای معیوب از افزایش قیمت‌ها را شکل می‌دهد. چشم‌انداز بازار جهانی طلا در کوتاه‌مدت و میان‌مدت همچنان صعودی اما پرنوسان ارزیابی می‌شود. تداوم تنش‌های ژئوپلیتیکی، به‌ویژه در خاورمیانه، افزایش نااطمینانی‌های سیاسی در سطح جهانی و نگرانی‌ها درباره پایداری رشد اقتصادی، باعث شده طلا جایگاه خود را به‌عنوان یک دارایی امن حفظ کند. در صورتی که ریسک‌های سیاسی و نظامی کاهش نیابد، احتمال تثبیت قیمت طلا در سطوح بالا یا حتی ثبت رکوردهای جدید وجود دارد.

با این حال، مسیر آینده طلا به‌شدت به سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی بزرگ وابسته است. اگر بانک‌های مرکزی موفق به مهار تورم و بازگرداندن اعتماد به بازارهای ریسکی شوند، ممکن است بازار طلا وارد فاز اصلاح قیمتی شود. در مجموع، انتظار می‌رود طلا در دوره پیش‌رو همچنان یکی از حساس‌ترین بازارها نسبت به اخبار سیاسی و اقتصادی باقی بماند و نوسانات

آن بالا باشد. با این وضعیت، افزایش قیمت جهانی طلا، کار دولت را در مدیریت بازارهای مالی و کنترل انتظارات تورمی دشوارتر می‌کند. دولت چهاردهم که در شرایط بسیار دشواری قرار دارد با مجموعه‌ای از شوک‌های داخلی و بیرونی مواجه شده که بخش قابل‌توجهی از آنها خارج از کنترل مستقیم تصمیم‌گیران این دولت است. افزایش قیمت طلا یکی از همین شوک‌های وارداتی است که قوز بالای قوز شده و امکان خنثی‌سازی کامل آثار آن وجود ندارد. به عقیده اقتصاددانان باید توجه داشت که رشد بی‌سابقه قیمت جهانی طلا بیش از آنکه یک فرصت تلقی شود، زنگ خطری برای اقتصاد جهانی و به‌تبع آن اقتصاد ایران است. این افزایش قیمت، بازتابی از افزایش نااطمینانی، بی‌ثباتی سیاسی و تردید نسبت به آینده اقتصاد جهانی است. برای ایران، این وضعیت به‌معنای فشار بیشتر بر منابع ارزی، تشدید تورم انتظاری و افزایش جذابیت فعالیت‌های غیرمولد است. از این‌رو، مدیریت پیامدهای این روند نیازمند سیاست‌های هماهنگ پولی، مالی و ارزی همچنین کاهش ریسک‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی در سطح داخلی و خارجی است.

کارایی مکانیسم معاملات است. بررسی سرانه خرید و فروش تصویر روشنی از جو حاکم بر بازار ارائه می‌دهد. سرانه فروش به بیش از ۸۶ میلیون تومان رسیده درحالی که سرانه خرید حدود ۳۱ میلیون تومان است و قدرت خرید عدد منفی ۲.۷۸ را ثبت کرده است. این اختلاف معنادار نشان می‌دهد، فروشندگان با فاصله زیاد دست بالا را در معاملات دارند. خروج ۲ هزار و ۳۱۱ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام نیز این وضعیت را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد، بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران خرد همچنان در حال تعمیق است. در پایان معاملات، تنها ۳۱ نماد در محدوده مثبت قرار داشتند، درحالی که ۷۹۵ نماد با افت قیمت مواجه شدند. تعداد صف‌های خرید به ۱۵ نماد محدود شد اما در مقابل ۷۵۹ نماد در صف فروش قفل شدند. ارزش سفارش‌های فروش بیش از ۲۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برآورد می‌شود، درحالی که ارزش سفارش‌های خرید تنها حدود ۱ هزار و ۳۸ میلیارد تومان است. این شکاف بزرگ میان عرضه و تقاضا نشان می‌دهد، بازار در وضعیت کاملاً یک‌طرفه قرار گرفته و جریان تقاضا توان مقابله با موج فروش را ندارد. نکته قابل توجه دیگر در معاملات دیروز، خروج ۱ هزار و ۴۲۸ میلیارد تومان پول از صندوق‌های درآمد ثابت است. این رفتار نشان می‌دهد حتی ابزارهای کم‌ریسک نیز توانسته‌اند، اطمینان سرمایه‌گذاران را حفظ کنند و بخشی از نقدینگی ترجیح داده از کل بازار سرمایه خارج شود. تداوم این روند می‌تواند، فشار مضاعفی بر بازار سهام وارد کند و بازگشت تعادل را با چالش جدی مواجه کند.

۱۲۹۸۶

آمار وزارت بهداشت از تعداد مجروحان و انجام عمل‌های جراحی در روزهای اخیر

گروه اجتماعی: درحالی که بدنه جامعه دوران پرنهانی را پشت سر می‌گذارد، حوزه بهداشت و درمان کشور با وضعیتی مواجه شده که تنها با دوران بحرانی جنگ یا پیک‌های سهمگین پاندمی قابل مقایسه است. آمارهای اخیر منتشر شده از سوی وزارت بهداشت و سازمان نظام پرستاری، نشان‌دهنده لایه‌های پنهانی از یک تلاش شبانه‌روزی است که در سکوت اتاق‌های عمل و راهروهای اورژانس جریان دارد.

حسین کرمان‌پور، مدیرکل روابط عمومی وزارت بهداشت، در اظهاراتی که ابعاد فنی بحران را روشن کرد، از مراجعه بیش از ۳ هزار مجروح به بیمارستان‌ها خبر داد. اما عدد خیره‌کننده در سخنان وی، انجام ۱۲ هزار و ۹۸۶ عمل جراحی در این بازه زمانی کوتاه است.

تحلیل این آمار نشان می‌دهد که به‌طور میانگین برای هر مجروح، بیش از ۴ عمل جراحی انجام شده است. این موضوع از منظر پزشکی بیانگر شدت «تروما» (آسیب‌های ناشی از ضربه یا جراحات) است. در موارد تروما، مجروح ممکن است به‌طور همزمان دچار شکستگی استخوان، پارگی عروق، آسیب‌های داخلی شکمی و جراحات سطحی باشد. در چنین شرایطی، بیمار نه یک‌بار، بلکه در چندین مرحله (Stages) به اتاق عمل منتقل می‌شود. گاهی یک جراحی برای کنترل خونریزی اولیه، جراحی دیگر برای ترمیم ارگان‌های داخلی

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

نقض کرامت

به بهانه سهم ۲۰ دقیقه‌ای اینترنت برای بازرگانان کشور

فائزه مومنی

گروه اجتماعی

تاریخ معاصر ایران در آستانه نیمه دهه چهارصد، نه با شاخص‌های رشد، که با «پارادوکس فرسایش» در حال ورق خوردن است. امروز، ششم بهمن، مسئله ما دیگر تنها نوسان لجام‌گسیخته ارز یا ناترازی انرژی نیست؛ مسئله، استهلاک سیستماتیک مفهومی است که سنگ بنای هر قرارداد اجتماعی پایداری است: «کرامت انسانی». آنچه در زمستان امسال بر جغرافیای جان ایرانی می‌گذرد، نه یک بحران گذرا، که «تحدید عزت» در مسلخ نادانستگی است.

عریان‌ترین جلوه تحقیر ساختاری را باید در راهروهای اتاق بازگانی جست؛ جایی که «اینترنت» (این اکسیژن حیات مدرن) به جیره‌ای موهن بدل گشته است. تصور کنید در اقتصادی که مدعی تاب‌آوری است، ستون‌های تجاری کشور باید برای پاسخ به یک مکاتبه حیاتی در صف‌های طولانی بایستند، «تعهدنامه» امضا کنند و زیر چشمان ناظری فیزیکی، ۲۰ دقیقه به جهان متصل شوند. این تصویر سوررئال، تنها فلج کردن بخش خصوصی نیست؛ بلکه از رسمیت انداختن اعتبار حرفه‌ای انسانی است که جرمش تلاش برای بقا در بن‌بست انزواست. وقتی بازرگان ایرانی برای لمس جهان دیجیتال باید به خاک مرزها پناه برد، یعنی «وطن» برای نخبگان اقتصادی‌اش به تنگنایی غیر قابل زیست بدل شده است.

اما این تحقیر ارتباطی، تنها نوک کوه یخی است که قاعده‌اش در سفره‌های خالی مردم پنهان است. سقوط ارزش پول ملی امروز دیگر یک عدد در تابلوی صرافی‌ها نیست؛ یک «سقوط آزاد اخلاقی» است. وقتی دلار ۱۴۰ هزاری در بازار بی‌ضابطه با نرخ ۲۰۰ هزار تومان به سفره مردم تحمیل می‌شود، حاکمیت قانون جایش را به رانت داده است. کرامت انسانی کجاست، وقتی سرمایه عمر مردم در بورس پودر می‌شود و رویای تصاحب یک چهاردیواری، یا حتی خرید یک جفت کفش و لباس، به افسانه‌ای دست‌نیافتنی برای طبقه متوسط به قعر رانده شده بدل می‌گردد؟ ما با جامعه‌ای روبه‌رو هستیم که رویای «یک وعده غذای خوب» را به گور سرد فراموشی سپرده است.

بنیادی‌ترین رکن کرامت، «حق بر حیات» است؛ حقی که در ایران این روزها به شکلی فاجعه‌بار نقض می‌شود. ۵۷ هزار



خدمات درمانی را رصد کرده تا اطمینان حاصل شود که فضای ملتهب بیرون به داخل محیط‌های درمانی سرایت نمی‌کند.

واکنش قوه قضائیه به برخی ابهامات

همزمان قوه قضائیه در بیانیه‌ای تفصیلی به برخی از شایعات مطرح شده در این روزها پاسخ داد. یکی از این ادعاهای جنجالی، ماجرای «تیر خلاص» به مجروحان در سردخانه‌ها یا پیدا شدن افراد زنده در میان اجساد بود. این نهاد اعلام کرده که؛ براساس استانداردهای پزشکی قانونی، انتقال هر فرد به سردخانه مستلزم تأیید قطعی مرگ توسط پزشک و صدور جواز است. ادعای زنده ماندن فردی با جراحات شدید به مدت سه روز در دمای زیر صفر درجه سردخانه، بدون مراقبت پزشکی و تغذیه از نظر فیزیولوژی انسانی کاملاً مردود است.

همچنین در پاسخ به ادعای دریافت مبالغ نجومی (مانند ۷۰۰ میلیون تومان) برای تحویل پیکرها یا خدمات پزشکی قانونی، این نهاد رسماً اعلام کرد که تمام خدمات پزشکی قانونی برای جان‌باختگان و مجروحان حوادث اخیر رایگان

جامعه

سکوت قانون

خسارت ۴۰ هزار میلیاردی کاربران اینترنت چه می‌شود؟

قطع گسترده دسترسی به اینترنت جهانی از ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴ که ابتدا به‌عنوان یک اختلال موقت تلقی می‌شد به‌سرعت به یکی از بزرگ‌ترین خاموشی‌های دیجیتال تاریخ ایران تبدیل شد؛ خاموشی‌ای که تبعات آن تنها متوجه کسب‌وکارهای آنلاین نبود بلکه میلیون‌ها کاربر عادی را با زیان‌های مستقیم مالی روبه‌رو کرد. کاربرانی که با اعتماد به پایداری شبکه، بسته‌های اینترنتی و اشتراک‌های ماهانه و سالانه خریداری کرده بودند حالا با خدماتی مواجهند که یا کاملاً از دسترس خارج شده یا عملاً کارایی خود را از دست داده‌اند. در این میان، اشتراک‌های ویژه پلتفرم‌های داخلی مانند «اسنپ‌پرو» و «دیجی‌پلاس» و نیز خدمات وابسته به اینترنت بین‌الملل، بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند. به گفته فعالان حوزه پرداخت‌یاری، تنها در روزهای ابتدایی قطع اینترنت، درخواست خدمات آنلاین تا ۸۰ درصد کاهش یافته است. کاربری که برای به‌رهمندی از تخفیف یا ارسال رایگان، اشتراک سالانه خریداری کرده اکنون نه‌تنها امکان استفاده از خدمت را ندارد بلکه روزی‌روز از اعتبار اشتراک پرداخت‌شده‌اش کاسته می‌شود. بحرانی‌تر از همه، وضعیت اشتراک‌هایی است که وابستگی مستقیم به اینترنت جهانی دارند؛ از اکانت‌های پرمیوم VPN گرفته تا سرویس‌های موسیقی و ویدئوی خارجی. با قطع دسترسی به IP‌های بین‌المللی این اشتراک‌ها عملاً بلااستفاده شده‌اند. حتی برخی پلتفرم‌های داخلی نیز به دلیل اختلال در احراز هویت پیامکی، خدمات ابری و سیستم‌های موقعیت‌یاب با مشکلات جدی مواجه بوده‌اند.

برآوردهای رسمی نشان می‌دهد که هر روز قطعی اینترنت حدود ۳.۸ هزار میلیارد تومان به کسب‌وکارهای مجازی خسارت وارد می‌کند و مجموع این آسیب‌ها تا پایان دی ماه از ۴۰ هزار میلیارد تومان فراتر رفته است. با این حال آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند، خلأ قانونی در زمینه جبران خسارت «کاربر نهایی» است. مشخص نیست، اپراتورها و پلتفرم‌ها تا چه حد موظف به بازپرداخت یا تمدید رایگان اشتراک‌ها هستند. درحالی که برخی اپراتورها از بررسی بازپرداخت هزینه بسته‌های اینترنتی خبر داده‌اند، نهادهای صنفی و انجمن‌های تخصصی هنوز برنامه مشخصی برای تعیین تکلیف حقوق از دست‌رفته کاربران ارائه نکرده‌اند. پرسش اصلی همچنان بی‌پاسخ مانده است: آیا بار دیگر هزینه تصمیمات کلان و اختلالات سراسری، بدون جبران، بر دوش مردم عادی خواهد ماند یا سازوکاری برای احقاق حق کاربران شکل می‌گیرد؟

پرستاران؛ ستون فقرات نظام سلامت در روزهای بحران

احمد نجاتیان، رئیس‌کل سازمان نظام پرستاری، در توصیفی دقیق، وضعیت هفته‌های اخیر را «روزهای سخت و آزمون بزرگ» برای جامعه پرستاری خواند. او به مراجعات گسترده‌ای اشاره کرد که فراتر از توان استاندارد بخش‌ها بوده است. نکته قابل تأمل در اظهارات نجاتیان، شرایط لجستیکی کار است. بسیاری از پرستاران به دلیل انسداد مسیرها یا تجمعات محیطی، ساعت‌ها در مسیر بیمارستان مانده یا مجبور شده‌اند چندین شیفت متوالی را بدون استراحت در محل کار بمانند. وی با افتخار به این موضوع اشاره کرد که «هیچ خدمتی روی زمین نماند»؛ این یعنی به‌رغم تمامی کمبودهای معیشتی و معوقات مزدی که همواره مورد اعتراض این قشر بوده، تعهد حرفه‌ای در لحظه بحران بر مطالبات صنفی پیشی گرفته است. شهادت دو پرستار در جریان این حوادث (یکی در درمانگاه و دیگری در مسیر خدمت) و مجروح شدن تعدادی دیگر، نشان‌دهنده ریسک بالایی است که کادر درمان در فضای غبارآلود فعلی پذیرفته‌اند. سازمان نظام پرستاری با تشکیل ستاد بحران، به‌طور شبانه‌روزی تداوم



کرامت سرباز است. در سوی دیگر، خروج هر نخبه با زبانی ۵ میلیون دلاری، تنها یک خسارت مالی نیست؛ این «تخلیه مغز متفکر وطن» است که از نبود «فضای کار شرافتمندانه» به دامان غربت می‌گریزد. ۲۶ درصد از مهاجران، مدیران و کارآفرینان ما هستند؛ یعنی کسانی که کلید توسعه را با خود می‌برند چون در خانه، کسی برای کرامت‌شان بهایی قائل نبود. آنچه امروز زیر پوست شهر می‌خزد، خشم ناشی از «تبعیض» است. وقتی مفسدان کلان در حاشیه امن رانت‌خواری می‌آرامند و در مقابل، مغازه کاسب جزء به بهانه حجاب پلمب می‌شود، بذر کینه‌ای کاشته می‌شود که ثمره‌اش خشونت است. جامعه‌ای که در زمستان از گاز محروم است و در تابستان از آب و در تمامی فصول از «پاسخگویی مسئولان» به نقطه جوش اجتماعی رسیده است.

۲۰ دقیقه حقیرانه اینترنت در اتاق بازگانی، نماد تمام قد حکمرانی‌ای است که می‌خواهد «زندگی» را سهمیه‌بندی کند. مسئولانی که مردم را به آینده‌ای نامعلوم حواله می‌دهند باید بدانند که کرامت انسانی، کالایی نیست که بتوان آن را پشت تعهدنامه‌ها به زنجیر کشید. این یادداشت، مرثیه‌ای بر یک سقوط نیست بلکه هشدار آخر است. سلاخی کرامت یک ملت، پایان مشروعیت مدیریتی است که در آن، هیچ وعده‌ای دیگر مرهم زخم‌های عمیق انسانی نخواهد بود که

مرگ سالانه بر اثر آلودگی هوا و ۲۰ هزار قربانی در جاده‌های «ارابه‌سازان انحصاری»، یعنی جان ایرانی ارزان‌ترین کالای موجود است. مرگ در هر ۱۱ کیلومتر از جاده‌ها، نه یک آمار، که یک نسل‌کشی خاموش است. از سوی دیگر، کمبود دارو و داغ واکسن‌های تأخیری کرونا، نشان داد که در ترازوی مسئولان، سیاست همواره بر سلامت شهروند سنگینی می‌کند. عدالت آموزشی، که روزی شعار محوری بود، حالا به «طبقه‌بندی نظام آموزشی جهان» مسخ شده است. با ۱۷ نوع مدرسه مختلف، نردبان تحرک اجتماعی شکسته شده و کرامت کودکی که در فقر متولد می‌شود، پیش از شکوفایی، زیر پای «فقر آموزشی» له می‌شود. این بی‌مسئولیتی حتی به میراث طبیعی چندمیلیون ساله نیز رحم نکرد؛ وقتی جنگل‌های هیرکانی در آتش می‌سوزند و مقامات آن را «علف‌زار» می‌خوانند، یا وقتی «پیروز» در غیاب تخصص و تجهیزات جان داد، در واقع «امید ملی» بود که خاکستر می‌شد.

تراژدی کرامت در مرزها به شکلی خون‌بار بازتولید می‌شود. شهادت سربازی ۲۵ ساله در سرمای بانه از نبود «بخاری ابتدایی» درحالی که میلیاردها تومان صرف بروکراسی‌های بی‌بازده می‌شود، خنجری بر قلب غیرت ملی است. رمانتیزه کردن این مرگ‌های ناشی از فقر تجهیزات، توهین مضاعف به

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی ● صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران ● مدیر مسئول: امیر اقتناعی ● سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یافر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیر ضایع‌سیاسی‌راد، امیر اقتناعی



شرکت ملی حفاری ایران
سهامی عامی

آگهی مناقصه



شرکت ملی نفت ایران

مختصات قراخوان :

نام مناقصه	شماره قراخوان	موضوع قراخوان	مبلغ برآورد (ریال)
شرکت ملی حفاری ایران	۲۰۰۴۰۹۲۸۵۰۰۱۱۶۲	پروژه بازسازی یگانگی مدیریت امور مالی	۳۲,۶۲۰,۸۸,۷۴۷

روش ارزیابی :

۱- بر اساس کسب حداقل امتیاز مربوط به معیارهای موجود در استعلام های ارزیابی کیفی که توسط متقاضیان شرکت در مناقصه تکمیل می شود، انجام می گردد.(حداقل امتیاز ۵۰)

۲- ارائه گواهینامه صلاحیت پیمانکاری معتبر در رشته ای آیینیه و ساختمان یا حداقل پایه ۵ صادره از سازمان برنامه و بودجه در ارزیابی کیفی الزامی است.

تحویل اسناد به ادریس اسناد به نامه تارکات الکترونیکی (اسناد) به نشانی www.setadiran.ir و اسناد ضمانت بانکی به ادریس اسناد - بلوار پاسداران شمالی از میدان فردرکاه - شرکت ملی حفاری ایران (۱۴۰۱/۱۱/۰۴) تا آخرین مهلت ارسال اسناد ارزیابی کیفی : روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۶)

انواع تضمین قابل قبول : ضمانتنامه بانکی (به جز ضمانتنامه بانک پاسارگاد و سپه که مورد قبول نمی باشد) یا ضمانتنامه های صادره از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی اصل فیض واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۱۱۱۱۰۰۶۲۷۶۶۲۶ - نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران (شماره ضیا ۴۰۰۹۱۱۴۰۰۴۰۱۱۴۰۰۶۲۷۶۶۲۶ - نزد بانک سائر تضمین های معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۵۹۰۹۰ ت / ۱۳۷۲۰۰۱ ت مورخ ۹۲/۰۱/۲۳ قبول و پذیرش می باشد.

• کد های اطلاع رسانی شرکت ملی حفاری ایران

http://sapp.ir/nide_pr www.nide.ir

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۱۱/۰۷ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۱۱/۰۷

شرکت ملی حفاری ایران - اداره قراردادها



شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی
شرکت پالایش نفت آبادان (سهامی عام)

فراخوان مناقصه همراه با ارزیابی کیفی

شماره آگهی: ۲۰۹۹۲۸۱

نوبت دوم

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷

شرکت پالایش نفت آبادان در نظر دارد مناقصه مشروحه ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری تشریفات مناقصه از دریافت اسناد ارزیابی کیفی و سایر مراحل بعدی مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد.

ردیف	شماره مناقصه در دستگاه گزار	شماره فراخوان	موضوع	محل اجرا	مدت	مبلغ برآورد پایه به ریال	مبلغ تقصیر شرکت در مناقصه به ریال
۱	منقصه عمومی شماره ۰۴/۱۲۸	۲۰۰۴۰۹۱۷۹۰۰۰۷۸۷	خرید، نصب، اجرا، تست و راه اندازی دو دستگاه مخزن سقف ثابت، جایگزین مخازن فرسوده برچی موجود و جمع آوری این مخازن به شماره ۰۴-۴۲۶TK و B-۴۲۶TK شرکت پالایش نفت آبادان	آبادان	۲۴ ماه و ۱۴ روز	۲/۵۵۳/۴۴۵/۲۶۸۰	۶۸,۱۶۹,۰۰۰,۰۰۰
							الف- مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد از تاریخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۴ لغایت ۱۴۰۴/۱۱/۰۵ ب- مهلت ارسال پاسخ استعلام ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

روابط عمومی- شرکت ملی پالایش نفت آبادان



شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان خراسان رضوی

آگهی مناقصه «عمومی دو مرحله ای شماره: ۱۴۰۴/۱۴۰۴»

شماره فراخوان سامانه ستاد ۲۰۰۴.۹۲۴۰.۹۰۰۰۰۹۴

نوبت اول

شناسه آگهی ۲۱۰۴۳۲۵

۱- مناقصه گاز: شرکت گاز استان خراسان رضوی

۲- موضوع: مناقصه طراحی و شبیه سازی، تهیه و تامین و حمل تجهیزات، نصب و راه اندازی چراغ های روشنایی **LED** ساختمان های شرکت گاز استان خراسان رضوی (طبقاً با شرح مشخصات فنی و الزامات پیوست)

۳- مدت قرارداد: شش ماه تقویمی

۴- شرایط اولیه متقاضیان: الف- الزاماً تولید کننده چراغ **LED** و با نماینده انحصاری شرکت های تولید کننده باشند.

۵- مدت اعتبار پیشنهادها: در تاریخی که برای تسلیم آن در فراخوان ذکر شده مدت ۳ ماه می باشد معتبر باشد.

۶- مبلغ تقصیم شرکت در فرایند ارجاع کار: ۲۵۸.۰۰۰.۰۰۰ (دو میلیارد و هشتصد و پنجاه میلیون ریال) می باشد که می باشد بر اساس یکی از تضمین قابل قبول وفق این نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۳۳۴۰۲/۱۳۳۴۰۲۵۰ مورخ ۹/۱۲/۱۳۹۰ تهیه گردد. که می باشد علاوه بر بارگذاری در سامانه، در پاکت درسته با درج مشخصات مناقصه روی پاکت و نام مناقصه گر، در مهلت مقرر (ساعت ۱۳:۰۰ مورخ ۱۴/۰۴/۱۴۰۴) تحویل دفتر حراست شرکت گاز استان خراسان رضوی واقع در شهرستان مشهد- تقاطع خیابان و ارشاد- طبقه همکف گردد.

تیمصر: به استناد ماده ۲۵ این نامه اجرایی قانون حمایت از شرکتها و مؤسسات دانش بنیان و تجاری سازی نوآوری ها و تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۰۸

شایان ذکر است دسترسی به متن این آگهی، در سایت www.nige-khrz.ir امکان پذیرد و به صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با تلفن: ۰۵۱-۲۷۲۲۲۱۳ تماس بگیرید.

روابط عمومی شرکت گاز استان خراسان رضوی

شناسه آگهی ۲۱۰۱۹۱۹ نوبت دوم

سیستم مدیریت یکپارچه / کد ۰۳/۴۳/۱۰/ف

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای (شماره ۱۵۸/م/ع/۱۴۰۴)

شرکت آب و فاضلاب استان البرز

شرکت آب و فاضلاب استان البرز در نظر دارد اجرای عملیات اصلاح و بازسازی آبرسانی در روستای حاجی بیگ نظرآباد را از محل اعتبارات طرحهای عمرانی و از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای حداقل رتبه ۵ در رشته آب واگذار نماید.

برآورد پروژه، مدت اجرای پروژه، نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: برآورد براساس فهرس بهاء و انتقال و توزیع آب روستایی سال ۱۴۰۴، مبلغ ۸۳،۲۸۸،۲۰۰،۴۸۲ ریال و مدت اجرای کار ۱۲ (دوازده) ماه و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۴،۱۶۴،۴۱۰،۰۲۴ ریال بصورت یکی از تضامین ذکر شده در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت/۵۰۶۵۹/مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ می باشد.

مهلت تحویل اسناد مناقصه: مناقصه گران علاوه بر بارگذاری فایل های PDF تا ساعت ۹ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶، موظف به ارائه اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در پاکت لاک و مهر شده تا ساعت ۱۰ همان روز به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان البرز می باشند.

تاریخ بازگشایی پاکات: ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ خواهد بود.

نحوه دریافت اسناد مناقصه: داوطلبان می توانند به منظور دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۶ تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۱ از طریق سامانه ستاد به آدرس www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۰۵۱۸۶۰۰۰۵۱۸۶۰۰۰ اقدام نمایند.

تلفن تماس: ۰۲۶-۳۲۱۱۷۱۵۲

سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه مندرج است.

شرکت آب و فاضلاب استان البرز «سهامی خاص»

[illegible]

اداره کل ثبت اسناد و اداره املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و اداره املاک حوزه ثبت مهر تهرانیاس
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه
قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و
ساختمانهای فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره
۱۴۰۴۰۲۰۱۰۷۹۰۰۴۷۱۴
مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۸
۱۴۰۴۰۱۰۷۹۰۰۰۵۲۲۲

تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
مسئفر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانیاس تصرفات
مالکانه بلامعارض قضائی آقای صالحه رسولی به شناسنامه
شماره ۱۱۲۸ کل مدی ۵۶۷۸۶۸۸۵۴۵ صادره ۱۳۵۱ صلدیه
ورزقان فرزند روشن نسبت به ششادنگ یک قطعه زمین با بنای
احداثی در آن به مساحت ۲۴۰ متر مربع که مقدار مساحت
۱۲۰ متر مربع آن از پلاک ثبتی ۵۸۸۰ فرعی از ۱۰ اصل و
مقدار مساحت ۱۲۰ متر مربع دیگر آن از پلاک ثبتی ۵۴۷۹
فرعی از ۱۰ اصل واقع در تهران پیش ۱۱ حوزه ثبت ملک
تهرانپارس خریداری از مالک رسمی (شرکت توسعه لوپزان)
مجرز دریده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در نوبت
به فاصله ۸۰ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاصی نسبت
به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند
از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را بر
این تاریخ تسلیم و سپس به از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از
تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم
نمایند. بدیهی است در صورت نقضای مدت مذکور و عدم وصول
اعتراضی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱/۱۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱/۱۰

۱۶۸۸۸۱

رضا النجری- رئیس ثبت
استاد و املاک تهرانیاس

شناسه آگهی ۲۰۹۲۲۹۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون
و ماده ۱۳ آئین نامه قانون
تعیین تکلیف وضعیت اراضی
زراعی، باغات و ساختمانهای
فاقد سند رسمی

برابر نامه شماره ۱۴۰۴۶۳۰۱۱۴۷۰۰۵۶۴۱ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ منضم به رای شماره ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ مورخ ۱۴۰۴۶۳۰۱۱۴۷۰۰۵۶۴۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی غلامرضا فاضلی فرزند جهانگیر به شماره ملی ۰۰۵۳۳۳۱۱۹۲ به نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰/۱۲۹ متر مربع در قسمتی از پلاک ۳۴ اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران حوزه ثبتی زیبادشت که بموجب سند رسمی از مالک رسمی خانم طلعت مرشد به متقاضی انتقال یافته است و تصرفات متقاضی محرز گردیده است لذا به استناد ماده ۳ قانون مذکور مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی تا چنانچه شخص و یا اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به موضوع صدور سند بنام متقاضی مذکور هرگونه اعتراضی دارند ظرف مهلت دو ماه از تاریخ انتشار اولیه آگهی، به این اداره مراجعه و ضمن اعلام اعتراض و اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به دادگاه عمومی محل وقوع ملک تقدیم نموده و گواهی مربوطه را از دادگاه اخذ و به این اداره تحویل نماید، در غیر اینصورت پس از سپری شدن مهلت مقرر، سند مالکیت وفق مقررات صادر خواهد گردید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

۱۶۸۸۴ الف سربست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک
زیبادشت تهران - محمد علی ابراهیمی

شناسه آگهی ۲۰۹۲۲۵۱